

تحلیل اولویت‌بندی مؤلفه‌های دفاع اقتصادی در شرایط تهدید اقتصادی

محمد رضا حیدری^۱

مرتضی درخشان^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۹/۱۸ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۴/۱۲/۲۶

فصلنامه آفاق امنیت / سال هشتم / شماره بیست و نهم - زمستان ۱۳۹۴

چکیده

این پژوهش بر آن است با شناسایی ماهیت تهدید اقتصادی و منشأهای آن در اقتصاد ایران به تبیین و دسته‌بندی مؤلفه‌ها و راهکارهای دفاع اقتصادی بپردازد. بدین منظور نخست با بررسی تعاریف اقتصاد نهادی به تبیین سطوح نهادی ویلیامسون برای مطالعه تهدیدهای اقتصادی پرداخته می‌شود؛ سپس با روش کتابخانه‌ای، تاریخ وقایع اقتصادی در ایران و کشورهای مشابه بررسی و منشأ تهدیدهای اقتصادی در ایران در هر یک از سطوح نهادی تبیین و مسیر تأثیر هر یک بر اقتصاد تحلیل می‌شود. در ادامه با تبیین وضعیت موجود کشور از لحاظ تهدیدها و همچنین فرصت‌ها، مؤلفه‌های دفاع اقتصادی طراحی و از روش طوفان مغزی و جلسات خبگانی برای دستیابی به این مؤلفه‌ها و راهکارهای اثربخش برای مقابله با تهدیدهای اقتصادی بهره‌برداری می‌شود. راهکارها نیز در چارچوب الگوی چهارسطحی ویلیامسون دسته‌بندی و ارائه شده است. مقاله مبتنی بر چنین تحلیلی نتیجه می‌گیرد که در هر یک از بازه‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت، بلندمدت و بسیار بلندمدت چه راهکارهایی برای مقابله با تهدیدهای اقتصادی باید پیش‌گرفت.

واژگان کلیدی

دفاع اقتصادی، تهدیدهای اقتصادی، روش تحلیل سلسله مراتبی



مقدمه

مبحث دفاع اقتصادی معمولاً زمانی مورد توجه قرار می‌گیرد که جنگ یا هجوم اقتصادی رخ داده باشد و پس از احساس خطر از بحران اقتصادی، زمانی که کشور در معرض ورود به بحران قرار دارد، سیاست‌های دفاع اقتصادی پیش گرفته می‌شود (دفاع پسینی) و فعالیت‌هایی برای خنثی‌سازی جنگ اقتصادی شکل می‌گیرد. برای مثال با شدت گرفتن تحریم‌های اقتصادی در چند سال اخیر، بسیاری برای مقابله با تحریم‌های اقتصادی و کم‌اثر کردن آنها به بحث و گفت‌وگو پرداختند و دولت نیز سیاست‌های داخلی برای دفاع در مقابل تحریم‌های اقتصادی پیش گرفت و راه‌های جدیدی برای دور زدن تحریم‌های اقتصادی ارائه کرد و از سوی دیگر به دیپلماسی فعال برای کاهش تحریم‌های اقتصادی روی آورد.

اما حالت بهینه برای دفاع اقتصادی، واکنش فعال (و نه منفعل) قبل از جنگ اقتصادی است (دفاع پیشینی)؛ به این معنا که کشور باید نقاط ضعف، نقاط استراتژیک و همچنین نقاط آسیب‌پذیر خود را مطالعه کند و همان‌طور که سایر کشورها و حتی مجامع بین‌المللی برای جنگ اقتصادی این نقاط را هدف قرار می‌دهند، قبل از آغاز جنگ اقتصادی اقدام به اصلاح ساختارها و کیفیت نهادی در اقتصاد و مقاوم‌سازی آن کند. با این کار هم هزینه‌های حاصل از تأثیر جنگ تحمیل‌شده اقتصادی از سوی سایر کشورها کاهش می‌یابد و هم هزینه مربوط بین سال‌های مختلف در بلندمدت تقسیم و اثر شوک حداقل می‌شود. در واقع اگر وقوع تهدیدهای اقتصادی پیش‌نگری شود، با توجه به بازدارندگی حاصل، اساس امکان عملی کردن تهدید توسط دشمن سلب می‌شود (شیلینگ،^۱ ۱۹۸۰: ۱۲).

برای پیشگیری مناسب به منظور مقاوم‌سازی و دفاع پیشینی اقتصادی، مطالعه تهدیدهای اقتصادی، شناسایی اجزاء، ابعاد و انواع این تهدیدها ضروری است. همچنین شناخت منشأ تهدیدهای اقتصادی برای اصلاح ریشه‌ای، قطعاً باید مورد توجه قرار گیرد. علاوه بر این راهکارهای مقابله با تهدیدهای اقتصادی و ایجاد ساختاری مقاوم برای اقتصاد، در واقع همان راهبرد دفاع اقتصادی پیشینی است که برای دستیابی به توسعه پایدار و مقاوم ضروری است.

بنابراین سؤال اصلی این پژوهش این است که منشأ تهدیدهای اقتصادی کدام‌اند و راهکارهای دفاع اقتصادی برای مقابله با آنها چیست و کدام‌یک از این راهکارها



از اولویت و اهمیت بیشتری برخوردار است؟ همان‌طور که اشاره شد، تهدیدهای اقتصادی و همچنین راهکارهای مقابله با آنها همه در جهت بهبود ساختار و کیفیت نهادی اقتصاد هستند؛ به طوری که با اصلاحات انجام‌شده، آسیب‌پذیری^۱ و شکنندگی^۲ نهادهای سخت و نرم اقتصاد در برابر تهدیدها حداقل شود. از این رو توجه به تعاریف و مبانی اقتصادی نهادی می‌تواند به ما در دسته‌بندی، رتبه‌بندی و زمان‌بندی کمک کند.

بر این اساس در بخش دوم این پژوهش به پیشینه پژوهش مربوط به تهدیدهای اقتصادی پرداخته خواهد شد. در بخش سوم سطوح نهادی ساموئل سون بررسی و تهدیدهای اقتصادی ایران بر اساس این سطوح تقسیم‌بندی و ارائه می‌شود. بخش چهارم به تقسیم‌بندی راهکارهای مقابله با تهدیدهای اقتصادی متناسب با سطوح اقتصادی نهادی خواهد پرداخت و در نهایت بخش پنجم جمع‌بندی و نتیجه‌گیری درباره راهکارهای مقابله با تهدیدهای اقتصادی و اولویت‌بندی آنهاست.

پیشینه پژوهش

در دانش اقتصاد تعاملات در قالب طیفی صورت می‌گیرد که هر یک بخشی از دنیای امروز اقتصادی را تشکیل می‌دهد. این طیف تعاملات عبارت‌اند از: ۱. جنگ اقتصادی^۳؛ ۲. رقابت^۴؛ ۳. همکاری^۵؛ ۴. نوع دوستی^۶؛ ۵. ایثار و فداکاری^۷. در دنیای واقعی اقتصاد تمامی طیف تعاملات فوق انجام می‌گیرد و ساختار نهادی اقتصادی سهم و نفوذ هر نوع تعامل را در اقتصاد تعیین می‌کند.

تعامل جنگ اقتصادی برای اولین بار به طور رسمی، مبتنی بر تفکر مرکانتلیست‌ها و با محاصره‌های دریایی و جلوگیری از دستیابی به بازار جهانی برای واردات کالا و مواد غذایی، در کنار نیروی نظامی و انسانی به عنوان ابزاری برای موفقیت در جنگ‌ها مطرح شد. تولید ادوات و تجهیزات جنگی، وابستگی امنیت و دفاع به اقتصاد را برای اولین بار روشن کرد و نشان داد در صورت تهدید و تضعیف اقتصاد کشور هدف، دفاع

- 1 . Vulnerability
- 2 . Fragility
- 3 . Economic Warfare
- 4 . Competition
- 5 . Cooperation & Coordination
- 6 . Philanthropy
- 7 . Sacrifice

نظامی آن نیز تضعیف خواهد شد. براساس تفکرات سوداگران، رقابت اقتصادی بین کشورهایی مانند اسپانیا، پرتغال، فرانسه، انگلستان و ... (در جمع کردن فلزات گرانبها در مستعمرات و از طریق صادرات حداکثری) باعث شد تهدیدهای اقتصادی و در نهایت جنگ اقتصادی نمایان شود. این تعاملات تا به امروز در شکل‌های مختلف ادامه دارد و تهدیدهای اقتصادی در همین قالب برای جوامع ایجاد می‌شود.

با ظهور مکتب کلاسیک و تقسیم کار بین‌المللی، وابستگی کشورها به یکدیگر افزایش یافت و قطع ارتباط در هر مقطع به عنوان تهدید اقتصادی مفهوم یافت. به طور ویژه برای کشورهای متقاضی انرژی (اول ذغال سنگ و بعدها نفت و گاز) تهدیدهای اقتصادی بیشتری وجود داشت و در مقابل، کشورهای عرضه‌کننده انرژی که وابستگی شدیدی به درآمدهای حاصل از آن داشتند، با تهدید اقتصادی متقاضیان مواجه شدند (ژید و ریست، ۱۳۴۷، ج اول: ۸۷).

طراحی ساختار نهادی سوسیالیسم و در نهایت کمونیسم نیز به نوعی روشی برای مقابله با جنگ اقتصادی در دنیای سرمایه‌داری بود. به اذعان مارکس در کتاب خود در سال ۱۸۴۸، ابزار بیشتر اقتصادی، تولید کالاهای ارزان‌تر، سهم بیشتر در بازارهای جهانی چه از لحاظ تولید و چه از لحاظ مصرف، تولید کالاهای استراتژیک و در مجموع وابسته کردن بیشتر کشورها به خود روش نظام سرمایه‌داری در جنگ و دفاع اقتصادی است که مورد پذیرش وی نبود و به همین علت ساختار نهادی جدیدی را طراحی کرد که البته این ساختار نیز باعث بزرگ‌تر شدن دولت‌ها و ایجاد جنگ اقتصادی بین دولت‌ها شد و در مقابله با جنگ اقتصادی و انتقال تعاملات اقتصادی از جنگ به رقابت و همکاری موفق نبود (کلر و همکاران، ۲۰۱۰).

مکتب تاریخی با رهبری فردریک لیست در آلمان در واکنش به نظام سرمایه‌داری و برای دفاع اقتصادی، وضع مجدد گمرک برای حمایت از صنایع داخلی را پیش گرفت. این روش دفاع اقتصادی ویژه کشورهایی طراحی شده است که کمی دیرتر از سایر کشورها اقدام به توسعه اقتصادی کرده‌اند (تفضلی، ۱۳۸۵: ۲۰۱).

در پایان جنگ جهانی دوم اهداف جنگ و دفاع اقتصادی (و در کنار آن جنگ و دفاع نظامی) به صورت مشترک به ۱. ایجاد رفاه اقتصادی داخلی؛ ۲. حفظ تمامیت منطقه‌ای و مرزی؛ ۳. مشارکت در نظم جهانی تبدیل شد. در دوران جنگ سرد و پس از آن ابزارهای جدیدی برای دفاع اقتصادی در فضای بین‌الملل شناخته شد: مانند



۱. اتحادهای بین‌المللی اقتصادی به جای سیاسی (ونگ،^۱ ۱۹۹۱)؛
۲. ثبات اقتصادی داخلی و خودکفایی در مواد غذایی؛
۳. تحریم‌های اقتصادی (هافباور و اسکات،^۲ ۱۹۸۵).

در مطالعات اخیر تهدیدهای اقتصادی و آثار آن بر اقتصاد به صورت موردی بحث و بررسی شده است. برای مثال اثر تحریم‌های اقتصادی بر اقتصاد کشورهای مختلف در داخل توسط وصالی و ترابی (۱۳۸۹)، بهروزی‌فر (۱۳۸۳)، عزیزنژاد و همکاران (۱۳۸۸) و در مطالعات خارج توسط حسین علیخانی (۲۰۰۰)، الکساندر^۳ (۲۰۰۹)، کوپر^۴ (۲۰۰۵)، کراوفورد^۵ (۱۹۹۹)، هافباور و همکاران^۶ (۲۰۰۷)، کلرمن و همکاران^۷ (۲۰۰۸) و غیره مورد تحلیل قرار گرفته است. همچنین زهرا علمی و همکاران (۱۳۸۴) تهدیدهای مربوط به سرمایه اجتماعی، مهناز ربیعی (۱۳۸۸) اثر برخی تهدیدهای اقتصادی بر سرمایه انسانی، حسن روحانی (۱۳۸۸) اثر برخی تهدیدهای اقتصادی بر سرمایه فرهنگی را مورد بررسی قرار داده‌اند. برخی از مطالعات مانند سندلر و هارتلی (۲۰۰۷) به طور کلی به بررسی مفهوم تاریخچه و ابعاد دفاع اقتصادی پرداخته‌اند.

ساختار نهادی تهدیدهای اقتصادی

بررسی ساختار نهادی که بتواند به جنگ اقتصادی از بین طیف تعاملات بپردازد، اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. بنابراین در این بخش ابتدا تعاریف ساختار نهادی و سپس مبانی نظری ساختار نهادی منتخب بیان می‌شود تا با استفاده از این چارچوب، منشأ تهدیدهای اقتصادی در آسیب‌پذیر کردن نهادهای اقتصادی تعریف و تحلیل شود. از نظر تئوریک می‌توان سه رویکرد گسترده را در مطالعات مباحث نهادی شناسایی کرد. اولین رویکرد به عنوان رویکرد تاریخی را نورث^۸ ارائه کرد. دومین چارچوب تفسیر، تجزیه و تحلیل نهاد تطبیقی است که به صورت ماهرانه و پویاتر توسط آوکیبه

- 1 . Wong
- 2 . Hufbauer and Schott
- 3 . Alexander Kern
- 4 . Drury, A. Cooper
- 5 . Neta C. Crawford and Barbara KlotzHow
- 6 . Gary Clyde Hufbauer, Jeffrey J. Schott, Kimberly Elliott, Oegg Ann
- 7 . Jacob Klerman, Alex Burstain, Jane McClure
- 8 . Douglass North

وجود آمد. سومین ردیف تجزیه و تحلیل، تئوری اطلاعات ناقص است که نهادها را با اصطلاح رفتار استراتژیک و تحت اطلاعات نامتقارن بین بازیگران مختلف تشریح می‌کند. هر یک از تئوری‌های مذکور محدودیت‌هایی در مسیر تجزیه و تحلیل خود داشتند. برای رفع این مسئله الیور ویلیامسون دید جامع‌تر و پویاتری به مفهوم نهاد داد و مدلی را توسعه بخشید که به نوعی تمام محدودیت‌های تئوری مذکور را رفع کرد (متوسلی و همکاران، ۱۳۹۲).

ویلیامسون اقتصاد نهادگرا را در چهار سطح تحلیل اجتماعی بررسی می‌کند. وی تفاوت این چهار سطح را در افق تغییر آنها، تقدم و تأخر آنها نسبت به یکدیگر و تئوری‌های حاکم بر هر سطح می‌داند (متوسلی و همکاران، ۱۳۹۲).

جدول ۱- مدل چهار سطح تحلیل اجتماعی ویلیامسون

هدف	دوره زمانی	سطح نهادی	ردیف
اغلب غیرقابل محاسبه و خودبه‌خودی	۱۰۰ تا ۱۰۰۰	پایداری نهادهای غیررسمی، فرهنگ‌ها، عرف‌ها، سنت‌ها، هنجارها و مذهب	سطح یک
شفاف کردن و دستیابی به محیط نهادها	۱۰ تا ۱۰۰	محیط نهادی: قوانین رسمی بازی، به خصوص حقوق مالکیت (حکومتی، قضایی و دیوان‌سالاری)	سطح دوم
شفاف کردن و دستیابی عملی به ساختار حکمرانی	۱ تا ۱۰	حکمرانی: جریان واقعی اجرای بازی به خصوص قراردادهای	سطح سوم
دستیابی به قوانین مربوط به شرایط نهایی	پیوسته	تخصیص منابع (قیمت‌های نسبی، هم‌ترازی انگیزش)	سطح چهارم

(ویلیامسون، ۲۰۰۰)

سطح اول نهادی شامل نهادهایی است که عمدتاً موضوع علم جامعه‌شناسی هستند و مفاهیمی نظیر فرهنگ، مذهب و ... را دربرمی‌گیرند. افق تغییرات این سطح بین ۱۰۰ تا ۱۰۰۰ سال و شیوه تغییر آن خودبه‌خودی و ناخودآگاه^۱ است و هیچ‌گونه برنامه‌ریزی قبلی یا تدوین قانون توسط خردمندان و اشخاص مؤثر اجتماع در این سطح قابل تصور نیست. برای مثال در ایران فرهنگ ایرانی-اسلامی (باورها، هنجارها، ارزش‌ها، عادات، آداب و رسوم) در این سطح قرار می‌گیرد.

سطح دوم نهادی که افقی در حد ۱۰ تا ۱۰۰ سال دارد، سطحی است که در آن خرد جمعی انسان‌ها به تدوین قوانین بازی پرداخته است. این دسته از قواعد



را می‌توان در قوانین رسمی کشور یا قراردادها^۱ یا تعهدات درون‌گروهی^۲ جست‌وجو کرد. برای مثال در ایران اسناد بالادستی (قانون اساسی، نقشه جامع علمی کشور، سیاست‌های کلی علم و فناوری و ...) و حقوق مالکیت در این سطح قرار می‌گیرد. در سطح سوم نهادی، آنچه اهمیت دارد ایجاد ساختار حاکمیتی است، به گونه‌ای که از اجرای قواعد، اطمینان حاصل شود. مواردی نظیر آیین‌نامه‌های اجرایی و سازمان‌های رسمی که برای اطمینان از اجرای قوانین تأسیس شده‌اند، همگی مثال‌هایی از سطوح سوم نهادی هستند. ارتباط بین این سطوح دوطرفه است و بین آنها بازخورد نیز وجود دارد. برای مثال در ایران جایگاه نفت و گاز در اقتصاد در همین سطح تعریف می‌شود. سطح چهارم، لایه‌ای است که بازیگران با فرض ثابت انگاشتن قواعد و درجه‌ای که قواعد مورد قبول واقع می‌شوند، اقدام به تخصیص منابع می‌کنند. در اینجا وجه تمایز رویکرد نهادگرا با بهینه‌سازی‌های متداول روشن می‌شود؛ زیرا پیش از آنکه یک سیستم اقتصادی بخواهد تخصیص منابع بدهد و خود را بهینه سازد، ابتدا باید به این پرسش پاسخ دهد که قواعد حاکم بر بازی، بستر را برای کارایی بالاتر آماده کرده است یا خیر؟ برای مثال قیمت‌گذاری منابع، کالاها و خدمات و انگیزه‌های بخش‌های دولتی، تعاونی و خصوصی در تعاملات اقتصادی جزء این سطح است.

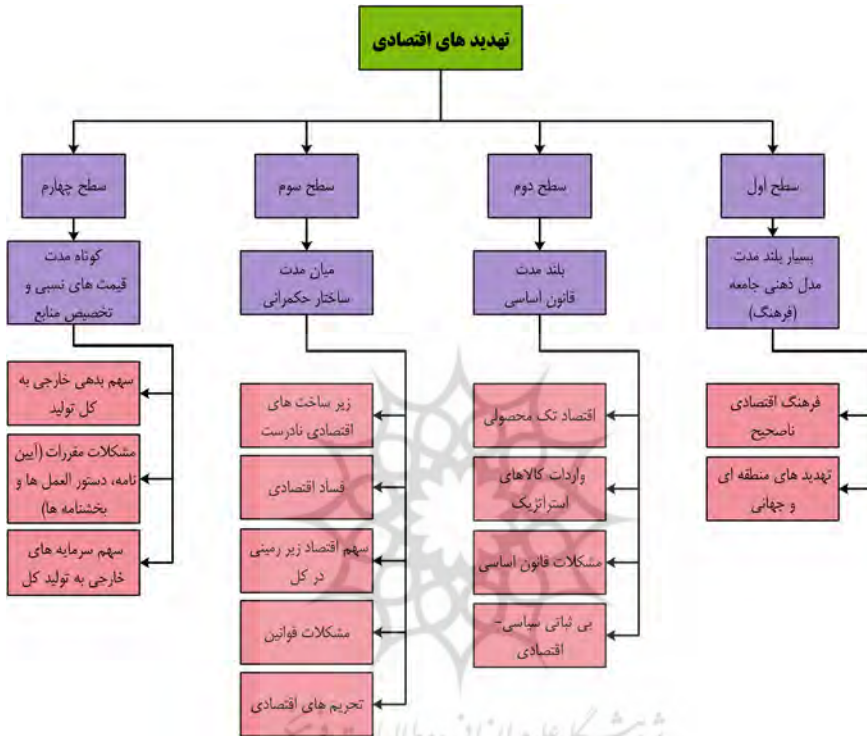
برای اینکه بتوان تهدیدهای اقتصادی را بهتر کنترل و مدیریت و راهکارهای مناسبی برای برطرف کردن آنها طراحی کرد، باید منشأها و دلایل تهدیدهای اقتصادی را تحلیل و بررسی کرد. بنابراین سؤال اساسی این است که در هر یک از سطوح نهادی فوق چه عواملی می‌تواند موجب تهدیدهای اقتصادی در ایران شود؟ برای پاسخ به این سؤال باید الگوی چهار سطحی ویلیامسون برای تهدیدهای اقتصادی طراحی شود.

اگر بخواهیم الگوی چهار سطحی ویلیامسون را برای تهدیدهای اقتصادی در ایران طراحی کنیم، باید بر اساس این منشأ تهدیدهای اقتصادی در چه سطحی قرار می‌گیرد، تقسیم‌بندی انجام دهیم. برای مثال اگر منشأ تهدیدها اموری فرهنگی و مربوط به ساختار ذهنی مردم باشد که تغییر در آنها بسیار بلندمدت است، سطح یک تهدیدهای اقتصادی را تشکیل می‌دهد که مرتبط با نهادهای سطح اول ویلیامسون است و سیاست‌های مشابهی برای نفوذ بر آنها لازم است. همچنین اگر منشأ تهدیدها بیشتر مسائل ساختاری مانند قانون اساسی کشور باشد که تغییر در آنها بلندمدت

1 . Contract

2 . Nexus

است، لایه دوم؛ اگر تهدیدهای مربوط به ساختار حکمرانی و اموری میان مدت باشد، لایه سوم را تشکیل می‌دهد و در نهایت اگر مربوط به قیمت‌های نسبی، روش تخصیص منابع و مقررات روزمره اقتصادی و امور کوتاه مدت باشد، لایه چهارم را شکل می‌دهد. تقسیم‌بندی تهدیدهای اقتصادی در نمودار زیر نمایش داده شده است:



سطح اول: تهدیدهای اقتصادی با منشأهای ذهنی (فرهنگ)

این سطح از تهدیدهای اقتصادی دارای منشأهای ذهنی در جوامع است و اصلاح و رفع آنها نیازمند برنامه‌های بسیار بلندمدت است. برای مثال فرهنگ اقتصادی که اجزا و زیربخش‌های زیادی دارد و تعریف دقیق آن نیازمند پژوهش‌های متعدد است، اگر در جامعه‌ای دچار اختلال باشد و الگوی مصرف، فرهنگ کار، فرهنگ مشارکت و فرهنگ‌های اقتصادی مناسبی دیگری در جامعه شکل نگرفته باشد، باید برای اصلاح آن دهه‌ها و شاید قرن‌ها تلاش و برنامه‌ریزی کرد. تغییر رفتارهای اجتماعی به واسطه تغییر در نگرش‌های فرهنگی امری است که هر چند در کوتاه مدت به سیاست‌های مختلفی نیاز دارد، اما نتیجه‌بخش بودن آنها نیازمند تداوم بسیار بلندمدت است.



تهدیدهای منطقه‌ای و جهانی که ناشی از ساختار روابط بین‌الملل کشورها و همچنین ساختارهای درونی آنهاست، منشأ ذهنی دارد. برای مثال بی‌اعتمادی بین ایران و کشورهای عرب مانند عربستان سعودی یا حتی فرمانطقه‌ای مثل بی‌اعتمادی ایران و انگلستان و آمریکا حتی در روابط تجاری و اقتصادی ساده دارای پشتوانه‌ای تاریخی است که در طول قرن‌ها شکل گرفته است. بنابراین تغییر این نگرش و تبدیل آن به مشارکت و همکاری مبتنی بر اعتماد در روابط تجاری نیازمند قرن‌ها اصلاحات است. از سوی دیگر جنگ‌های داخلی کشورهای منطقه مانند سوریه، عراق، یمن، افغانستان و ... ناشی از قومیت‌های مختلف، ایدئولوژی‌های دینی و غیردینی متفاوت و ذهنیت کلی مردم آن کشورهاست که تغییر آن نیز بسیار بلندمدت است. بنابراین دو مورد فوق در سطح اول یا سطح بسیار بلندمدت طبقه‌بندی شده‌اند. اجزای آنها در ادامه تفسیر خواهد شد.

۱. فرهنگ اقتصادی ناصحیح

الف) جهل و ناآگاهی مردم

اولین و بزرگ‌ترین تهدید هر اقتصادی جهل و ناآگاهی مردم است که سرمایه‌ای بسیار مهم را از اقتصاد گرفته است. این سرمایه با عنوان سرمایه فرهنگی شناخته می‌شود. جهل و ناآگاهی‌های مردم باعث می‌شود فرهنگ کار، فرهنگ پیشرفت، بهره‌وری و فرهنگ مصرف و ... و به طور کلی سرمایه فرهنگی اقتصاد دچار تزلزل شود و روز به روز فرسوده‌تر گردد (فریمن، ۲۰۱۲: ۲۱).

ب) تهدیدهای نرم‌افزاری

توجه به نرم‌افزار اقتصادی که همان تدابیر مسئولان در اقتصاد، قوانین و مقررات، رویه‌های اداری و سازمانی و آیین‌نامه‌ها و ... است، باید مورد توجه و بررسی قرار گیرد؛ زیرا فرهنگ اقتصادی در بسیاری موارد از طریق قواعد بازی بازیگران اقتصادی، یعنی نرم‌افزارهای اقتصادی تعریف و تعیین می‌شود و این قواعد رفتارهای اقتصادی عوامل را در هر سازمان یا نهاد کوچک و بزرگ جهت‌دهی می‌کند. همان‌طور که فقدان سد کافی در مسیر رودخانه‌ها ممکن است بارندگی و آب را که منبع و سرمایه طبیعی است به یک تهدید (بحران آب) تبدیل کند، فقدان تدبیر مناسب در تخصیص انسانی نیز می‌تواند موجب ایجاد بحران کار شود.

ج) عدم مدیریت صحیح افکار عمومی

نکته مهم در فضای ادراک عمومی این است که ایران در یک جنگ نرم اقتصادی قرار گرفته است. تهدیدهای نرم اقتصادی روی مردم و افکار عمومی متمرکز می‌شوند و شهروندان را نسبت به آینده اقتصادی بدبین می‌کنند و شرایط را به صورت بحرانی و کنترل‌ناپذیر نمایش می‌دهند. افکار عمومی نادرست موجب می‌شود رفتارهایی از عموم مردم سر بزند که موجب تهدید سرمایه اجتماعی و سایر منابع تحقیق شود. برای مثال یکی از عواملی که در توفیق و اثربخشی تحریم‌های اقتصادی همواره مورد تأکید اتاق‌های فکر کشورهای تحریم‌کننده است، شکل‌گیری ادراک عموم جامعه هدف در اثربخشی تحریم‌هاست (هافباور و همکاران، ۲۰۱۳). به عبارت دیگر اینکه هر نارسایی اقتصادی بجا یا نابجا به پای آثار تحریم‌ها نوشته شود و فضای نااطمینانی و بی‌ثباتی اقتصادی به دلیل رفتارهای رمه‌وار، احتکار و سوداگری برخی افراد ناآگاه در جامعه هدف، تشدید شود و مردم در حمایت از سیاست‌های دولت خود دچار تردید و دودلی شوند، زمینه را برای اثربخشی تحریم‌ها مهیا می‌کند.

۲. تهدیدهای منطقه‌ای و جهانی

افزایش فعالیت‌های منطقه‌ای و همکاری‌های بین‌المللی اقتصادی در هر منطقه، بین کشورهای مختلف می‌تواند توسعه بسیاری در اقتصاد ایجاد کند. سابقه چنین توسعه‌ای را ابتدا در اتحادیه اروپا (EU) به عنوان نمونه‌ای کامل و بعد در توافق‌نامه تجاری بین کشورهای آمریکای شمالی (NAFTA¹) و در نهایت بین کشورهای آسیای شرقی می‌توان مشاهده کرد. توسعه سریع منطقه‌ای آنها به دلیل همکاری‌های بین‌المللی و تجارت درون منطقه‌ای کاملاً روشن است. در این میان تهدیدهایی نیز به صورت منطقه‌ای برای اقتصاد کشورها ایجاد می‌شود (ایملای و تافت، ۲۰۰۷: ۱۵۲).

الف) تهدیدهای منطقه‌ای ناشی از همکاری‌های منطقه‌ای

همانند همه فرصت‌های تجاری مثل جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی، که به صورت بالقوه با تهدید همراه هستند، در همکاری‌های تجاری منطقه‌ای نیز تهدید اقتصادی نهفته است. زمانی که بین کشورهای منطقه‌ای ارتباط تجاری گسترده‌ای ایجاد شود

1 . North American Free Trade Agreement

2 . Imlay & Toft



و این کشورها توسعه‌ای به‌هم‌پیوسته پیدا کنند، هنگامی که یک یا چند کشور با بحران روبه‌رو شوند، این بحران همه کشورها را تهدید می‌کند. این مثال را هم در بحران ۱۹۷۷ آسیای جنوب شرقی و هم در بحران ۲۰۰۸ بین کشورهای اروپایی کاملاً مشاهده کردیم. اصلاح ساختار تعامل بین کشورها، به گونه‌ای که تنها آثار مثبت را منتقل کند و از تهدیدهای ارتباط آزاد بین‌الملل آزاد باشد، بسیار بلندمدت است و دهه‌هاست که کشورها درباره آن برنامه‌ریزی می‌کنند (ایملی و تافت، ۲۰۰۷: ۱۵۳).

ب) تهدیدهای منطقه‌ای ناشی از ناآرامی‌های کلی منطقه‌ای و افزایش ریسک ناآرامی‌های نظامی و سیاسی در هر منطقه به دلیل اینکه ریسک منطقه‌ای فعالیت‌های اقتصادی را افزایش می‌دهد (حتی اگر کشور هدف خود امنیت درونی زیادی داشته باشد)، باعث فرار سرمایه‌های خارجی و خروج سرمایه‌های داخلی می‌شود.

ج) تهدیدهای منطقه‌ای ناشی از منطقه استراتژیک جهانی خاورمیانه به دلیل ذخایر نفتی و گازی بسیار زیاد و همچنین موقعیت ژئوپلیتیک اهمیتی جهانی دارد و همه کشورهای بزرگ اقتصادی به دنبال منافع اقتصادی در این منطقه حضور پیدا می‌کنند. این موقعیت استراتژیک می‌تواند منافع اقتصادی بسیاری برای ایران به ارمغان بیاورد و استفاده از آن قدرت سیاسی و چانه‌زنی بین‌الملل ما را افزایش دهد؛ اما اهمیت جهانی و موقعیت استراتژیک این منطقه باعث شده است حساسیت روی فعالیت‌های اقتصادی در این منطقه بسیار افزایش یابد؛ به این معنا که دخالت‌های سیاسی کشورهای بزرگ در امور کشورهای این منطقه و اظهارنظرهای متمادی، فعالیت‌ها و تهدیدهای نظامی پی در پی برای ایجاد امنیت عرضه انرژی و ... از سوی قدرت‌های بزرگ جهان همواره بخشی از تاریخ این منطقه بوده است که خود تهدیدی بر اقتصاد ایران محسوب می‌شود؛ زیرا بسیاری از کشورها مانند سنگاپور که کشوری کوچک است، در آرامش جهانی و بدون حساسیت به رشد اقتصادی خود ادامه می‌دهند و قدرت‌های بزرگ از ثروتمند شدن آنها هیچ هراسی ندارند؛ اما توسعه اقتصادی زیاد کشورهای نفتی خاورمیانه و وابسته نبودن آنها به درآمدهای نفتی، به سادگی امنیت عرضه انرژی نفت و گاز آنها را به خطر می‌اندازد و ممکن است تهدیدی مشابه تحریم نفتی اعراب در سال ۱۹۷۳ بار دیگر اتفاق افتد (هارتلی و سندلر،^۱ ۱۹۹۵: ۶۶).

د) تهدیدهای جهانی ناشی از سوءمدیریت محیط زیست

در کل کشورهای جهان تهدیدهایی وجود دارد که هر چند عامل اصلی آن عملکرد مردم جهان است، هیچ کشوری به تنهایی نمی‌تواند با این تهدیدها به طور کامل مقابله کند. برای مثال می‌توان به تغییرات آب و هوایی و گرم شدن زمین یا تضاد دمایی شدید در بسیاری مناطق اشاره کرد. نوسانات شدید آب و هوا، باران‌های سنگین، سیل و توفان‌های وحشتناکی پدید می‌آورد. تقریباً ۶۰۰ هزار مرگ در سال ۱۹۹۰ بر اثر تغییرات آب و هوایی در جهان اتفاق افتاده که ۹۵ درصد آن در کشورهای در حال توسعه بوده است. از موارد دیگر می‌توان به آلودگی هوا، تخریب محیط زیست و ... اشاره کرد که تهدیدی جدی برای اقتصاد پایدار همه کشورها به شمار می‌رود.

به طور خلاصه تهدیدهای خارجی را که از کشورهای دیگر صادر می‌شود، می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد: اول، تهدیدهایی که به عمد و با هدف صادر می‌شود. دوم، تهدیدهایی که فقط به دلیل آسیب‌پذیری اقتصاد در جریان رقابت و تعاملات بین‌الملل پدید می‌آید. البته آسیب‌پذیری داخل ممکن است دلیل وجود این تهدید باشد، اما منشأ تهدید بیرونی است و دفاع اقتصادی در مقابل آن قطعاً می‌تواند داخلی باشد. برای اینکه کشورها بتوانند به عمد اقتصاد کشورهای دیگر را تهدید کنند، روش‌های مختلفی وجود دارد که می‌توان به روش‌های زیر اشاره کرد:

- تهدید بخش‌های استراتژیک؛
 - قطع ناگهانی صادرات یک کالای واسطه‌ای مهم؛
 - تحریم اقتصادی (تجاری و مالی)؛
 - جذب نیروهای متخصص و نخبه کشور دیگر؛
 - جنگ نرم و بی‌اعتمادی مردم به دولت (هارتلی و سندلر، ۱۹۹۵: ۶۷).
- حال که منشأ تهدیدهای اقتصادی روشن شد، سؤال اصلی که پیش می‌آید این است که چه راهکارهایی برای ایران یا سایر کشورها در مقابله با چنین تهدیدهایی وجود دارد و کدامیک از این راهکارها در اولویت فرایند عملیاتی قرار دارند و می‌توانند سریع‌تر، کارآمدتر و مطمئن‌تر تهدیدهای اقتصادی را کاهش دهند. برای پاسخ به سؤال فوق ابتدا باید راهکارها را مشخص و سپس اولویت‌بندی کرد.



سطح دوم: تهدیدهای اقتصادی با منشأهای اساسی (قانون اساسی)

۱. اقتصاد تک‌محصولی

اقتصاد تک‌محصولی به اقتصادی گفته می‌شود که در آن از یک منبع عمده برای تأمین درآمد کشور و تأمین ارز به طور غالب استفاده شود. کشورهای در حال توسعه که منابع زیادی (مانند نفت، گاز و ...) دارند، عمدتاً تابع سیاست اقتصاد تک‌محصولی هستند و به دلایل مختلف، اقتصاد ملی در این کشورها به این منبع وابسته است. مشکلات سیاست اقتصاد تک‌محصولی در شناور بودن اقتصاد ملی بر اساس نوسانات قیمت نفت خلاصه نمی‌شود؛ چون این اثر منفی، خود یکی از آثار وابستگی است که همه آثار بی‌ثباتی را به دنبال دارد. نوسان مصارف استخراج و تولید نفت را باید بر این بی‌ثباتی افزود. اقتصاد متکی به نفت را می‌توان به اقتصاد متکی به زمین تشبیه کرد؛ بدین معنا که در این حالت، کشور با فروش زمین، مصارف خود را تأمین می‌کند. در واقع، بدون آنکه از زمین به عنوان ابزار تولید استفاده کند، آن را از دست می‌دهد. در کل، اقتصادهایی که بر پایه یک محصول قرار دارند بسیار آسیب‌پذیرند و با اندک نوسانات اقتصادی یا کاهش تقاضا برای تک‌محصول، کشور دارای این اقتصاد به سرعت و به شدت دچار مشکل می‌شود و درآمدها و منابعش نقصان می‌یابد که به عنوان تهدیدی بر اقتصاد ملی مطرح است. کاهش قیمت اخیر نفت و کاهش وابستگی به تک‌محصول اقتصاد ایران می‌تواند فرصت خوبی برای پوشش تهدید مربوط به اقتصاد تک‌محصولی باشد.

۲. واردات کالاهای استراتژیک (وابستگی اقتصادی)

به طور کلی وابستگی اقتصاد کشور به کشوری خاص تهدیدی بر اقتصاد محسوب می‌شود؛ زیرا در روابط بین‌الملل همه کشورها به دنبال حداکثر کردن منفعت ملی خود هستند و ایجاد ارتباط با سایر کشورها نیز به همین منظور انجام می‌گیرد. اما ممکن است در دوره‌هایی از تاریخ قطع ارتباط با یک کشور به هر منظوری (مثلاً به منظور ارتباط مستحکم‌تر با دشمن کشور مربوط) حداکثرکننده منفعت ملی تلقی شود و بنابراین قطع ارتباط تجاری و اقتصادی در هر لحظه از زمان امکان‌پذیر است و لذا وابستگی اقتصاد داخلی به کشورهای دیگر وابسته کردن اقتصاد به رابطه‌ای ناپایدار است. بنیان غیرمطمئن اقتصادی همواره تهدید جدی بر بخش‌های مختلف به حساب



می‌آید که در این مورد خاص این تهدید منشأ خارجی دارد و از سوی سایر کشورها تحمیل می‌شود. برای مثال این وابستگی می‌تواند به اشکال زیر باشد:

- وابستگی تکنولوژیک؛
- وابستگی وارداتی و صادراتی (تجاری)؛
- وابستگی در تأمین کالاهای استراتژیک (دون و کلمب،^۱ ۲۰۰۸: ۴۵).

۳. مشکلات قانون اساسی

در قانون اساسی هر کشوری می‌توان خلأهایی را مشاهده کرد که شاید در ابتدای طراحی و تدوین به آنها توجه نشود یا تغییرات در طول زمان باعث شود که نیاز به اصلاح آنها احساس شود. تطابق نداشتن قانون اساسی با شرایط لازم برای توسعه اقتصادی یک کشور یا وجود خلأ در آن را می‌توان به عنوان تهدید اقتصادی قلمداد کرد. برای مثال پس از پایان جنگ و بازگشت شرایط عادی به کشور، لزوم خصوصی‌سازی و خارج شدن بخش دولتی از برخی فعالیت‌های اقتصادی احساس و در همین راستا ابلاغیه اصلاحی اصل ۴۴ قانون اساسی تدوین و اعلام شد. در شرایط فعلی به نظر می‌رسد قانون اساسی در تعیین جایگاه دولت در اقتصاد، روش و چگونگی تأمین مالی دولت‌ها و به طور دقیق‌تر جایگاه نفت در اقتصاد ایران نیازمند بازنگری و اصلاح است. در نتیجه مطالب فوق جایگاه مردم در اقتصاد نیز اصلاح خواهد شد.

۴. بی‌ثباتی سیاسی-اقتصادی

بی‌ثباتی سیاسی یک عامل داخلی است، اما بیرون از ساختار اقتصادی، نزدیک‌ترین و معنادارترین تعامل را با مفهوم امنیت اقتصادی در تأثیرگذاری بر عوامل تولید دارد. دو سیستم سیاسی و اقتصادی در تعامل گسترده‌ای با یکدیگر به سر می‌برند. وابستگی ثبات سیاسی به اقتصاد قطعی و بدون چاره است، اما وابستگی اقتصاد به سیاست، در کشوری که ثبات سیاسی چندانی ندارد، تهدیدی جدی برای امنیت اقتصادی آن کشور به شمار می‌رود که موجب بی‌ثباتی اقتصادی خواهد شد و تهدیدی جدی برای سرمایه‌ها خواهد بود. می‌توان بی‌ثباتی اقتصادی را از چهار منشأ جزئی‌تر دنبال کرد:

- بی‌ثباتی سیاسی؛
- بی‌ثباتی در سیاست‌گذاری اقتصادی؛
- بی‌ثباتی ساختار اقتصادی؛
- بی‌ثباتی نقدینگی (جیرکو،^۲ ۲۰۰۱: ۱۳۲).

1 . Dunne, J. P., & Coulomb
2 . Grieco



سطح سوم: تهدیدهای اقتصادی با منشأ ساختار حکمرانی

۱. زیرساخت‌های اقتصادی نادرست

تا دهه ۱۹۸۰، دیدگاه حاکم بین اقتصاددانان بر رابطه مستقیم بین منابع طبیعی در اقتصاد و رشد و توسعه اقتصادی تأکید می‌کرد؛ اما مطالعات آماری از جمله ساچز و وارنر^۱ (۲۰۰۱ و ۱۹۹۵) نشان داده است که منابع طبیعی در برخی کشورها منافع اقتصادی مورد انتظار را ندارد؛ به طوری که حتی به نظر می‌رسد منابع طبیعی مانعی برای رشد اقتصادی در تعداد زیادی از کشورهاست (نفرین منابع طبیعی). برای مثال بازرگانان رشد مانند عربستان سعودی، نیجریه، ونزوئلا و آنگولا کشورهایی غنی از منابع طبیعی هستند، در حالی که ببرهای آسیایی مانند هنگ کنگ، کره، سنگاپور و تایوان کشورهایی فقیر به لحاظ منابع طبیعی به شمار می‌روند (مهلوم و همکاران،^۲ ۲۰۰۶).

با انتقال از علل اولیه به علل اصلی، اهمیت زیرساخت اجتماعی به عنوان عامل اصلی رشد اقتصادی مشخص می‌شود (کاستا و دوس سانتوس،^۳ ۲۰۱۳). اما آنچه به عنوان تهدید مطرح می‌شود این است که نبود نهادها یا زیرساخت‌های مناسب در توزیع و تخصیص منابع و به طور کلی استفاده از منابع هرچند فراوان طبیعی باعث می‌شود در بسیاری موارد اقتصاد دچار بحران‌هایی مانند بحران آب، مواد غذایی، مسکن، بیکاری و ... شود یا حتی منابع طبیعی مانند رودخانه‌ها و همچنین اتفاق‌های مطلوب طبیعی مانند بارندگی موجب بروز سیل و ایجاد بحران در اقتصاد شود یا افزایش نیروی کار به جای رشد تولید موجب رشد بیکاری گردد.

۲. فساد اقتصادی

فساد به عنوان یکی از قدیمی‌ترین معضلات جامعه بشری همواره مورد توجه اندیشمندان علوم مختلف بوده است. فساد از دیرباز به انواع و شکل‌های مختلف و با درجه‌های آسیب‌رسانی گوناگون وجود داشته است؛ بنابراین از فساد غالباً به عنوان یک بیماری شدید نظیر سرطان که بی‌رحمانه از یک سازمان به سازمان دیگر و از یک نهاد به نهاد دیگر سرایت می‌کند، یاد می‌شود که تمام نهادها موجود را فرسوده می‌کند و موجب فروپاشی نظام سیاسی حاکم می‌شود. رواج فساد مالی و اداری به

1 . Sachs and Warner

2 . Mehlum et al

3 . De Medeiros Costa and Moutinho dos Santos

درستی به عنوان یکی از مهم‌ترین موانع در راه پیشرفت‌های موفقیت‌آمیز اقتصادی به حساب می‌آید. اختلاس، رابطه‌بازی‌ها، رشوه، کم‌کاری‌ها، سندسازی‌ها، دزدی و ... همه جزء این نوع فسادهای اقتصادی و مالی قرار می‌گیرند. البته فساد اقتصادی خود می‌تواند معلول زیرساخت‌های نادرست اقتصادی باشد یا علت‌های دیگری مانند فرهنگ ناصحیح اقتصادی، عدم اعتماد و احترام به دولت و ... داشته باشد و به نوعی با سایر منشأها همپوشانی داشته باشد، اما به دلیل اهمیت و چند بعدی بودن، آن را به طور مجزا مطرح کرده‌ایم.

شاید به سادگی بتوان گفت در بسیاری از کشورها بزرگ‌ترین تهدید اقتصادی که همه داشته‌های اقتصاد را تهدید می‌کند، همین فساد اقتصادی است و اثربخشی هیچ‌یک از تهدیدهای دیگر چه با منشأ داخلی و چه خارجی نمی‌تواند به این میزان سرمایه‌ها را فرسوده کند و داشته‌های اقتصادی را از ما بگیرد.

معمولاً فساد اقتصادی به ویژه در بخش‌های دولتی و عمومی باعث افزایش بی‌اعتمادی مردم به دولت می‌شود. نتیجه بی‌اعتمادی این است که هرگونه سیاست اقتصادی اجتماعی دولت در آینده بدون اثر یا کم‌اثر خواهد بود؛ به گونه‌ای که جامعه بی‌اعتماد، زیربنای برنامه‌پذیری را نخواهد داشت و دولت را در اجرای برنامه همراهی نخواهد کرد. اقتصادی که در آن سیاست‌های اقتصادی و مدیریت کلان اقتصادی اثر نداشته باشد، نمی‌تواند به سوی هدف مشخصی حرکت کند و لذا توسعه اقتصادی نیز با مشکل فراوان روبه‌رو خواهد شد. البته عوامل و منشأهای قبلی مانند فساد اداری و اقتصادی در دولت، بی‌تدبیری مسئولان در برنامه‌های اقتصادی و جنگ نرم و تبلیغات رسانه‌های مخالف و ... بر این بی‌اعتمادی اثر دارد و در واقع این بی‌اعتمادی، تنها معلول فساد نیست، اما نقش اساسی در ایجاد آن دارد.

۳. سهم اقتصاد زیرزمین در کل اقتصاد

اقتصاد زیرزمینی را می‌توان به دو بخش اقتصاد مجرمانه و اقتصاد متخلفانه تقسیم کرد. فعالیت در زمینه قاچاق مواد مخدر، قاچاق اسلحه، آدم‌ربایی، قاچاق انسان، جنایت با اهداف مالی و اعمالی از این دست در بخش اقتصاد مجرمانه و مواردی چون قاچاق کالا، فرار از مالیات، رانت‌خواری، رشوه و ... در بخش اقتصاد متخلفانه در مجموع اقتصاد زیرزمینی را تشکیل می‌دهند.



افزایش سهم اقتصاد زیرزمینی در کل اقتصاد، تولید و اشتغال داخلی را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد و علاوه بر تولید پول کثیف، سیاست‌های توسعه تولید را با مشکلات جدی روبه‌رو می‌کند و تأثیر آنها را به شدت کاهش می‌دهد. اگر سهم اقتصاد زیرزمینی در کل اقتصاد افزایش یابد، موجب انحراف مدیریت اقتصاد می‌شود و به طور کل مدیریت اقتصاد از کنترل دولت و سیاست‌گذاران خارج می‌شود و به هر سویی ممکن است گرایش یابد که تهدیدی بسیار جدی برای هر اقتصادی محسوب می‌شود (رید،^۱ ۲۰۰۹: ۵۵). با توجه به اینکه اکثر مطالعات انجام‌شده در زمینه تخمین اقتصاد زیرزمینی حجم آن را نزدیک به دوسوم حجم کل تولید تخمین زده‌اند (سهم غالب آن فرار مالیاتی است)، توجه به این تهدید برای ایران بسیار ضروری است.

۴. مشکلات قوانین

قوانین و مقررات از سه جنبه می‌تواند تهدید اقتصادی زیادی در کشور ایجاد کند: نخست آنکه کمبود قوانین و مقررات لازم در یک بخش موجب هرج و مرج اقتصادی، توسعه فساد و استفاده از خلأهای قانونی و در نتیجه انحراف نیروهای اقتصاد (استعدادهای برتر) از تولید به سمت رانت‌جویی، دلالی، کلاه‌برداری و ... شود. این امر از یک سو با کاهش نیروهای تولیدی، حجم تولید را کاهش می‌دهد و از سوی دیگر با افزایش بخش رانت‌جویی هزینه‌های تولید را افزایش می‌دهد.

دوم، قوانین زاید و بیش از حد نیز فضای کسب و کار را با موانع زیاد روبه‌رو می‌کند و سهولت کسب و کار را کاهش می‌دهد. در گزارش سالانه بانک جهانی، ایران در سهولت فضای کسب و کار در جهان رتبه ۱۱۸ و در منطقه (کشورهای سند چشم‌انداز) رتبه ۱۵ را دارد.^۲ این امر نشان می‌دهد تا چه حد عدم پویایی قوانین و مقررات، مناسب نبودن آنها با فضای اقتصادی، ایده‌آل‌گرایی قوانین به جای واقع‌گرایی آنها، ناسازگاری انگیزشی قوانین و مقررات و غیره می‌تواند فضای کسب و کار را دچار مشکل و در نتیجه عوامل اقتصادی را دلسرد و غیرکارآمد کند.

سوم، بی‌ثباتی قوانین امکان برنامه‌ریزی را از مردم و عوامل اقتصادی صلب می‌کند و ریسک فعالیت‌های اقتصادی را افزایش می‌دهد.

۵. تحریم‌های اقتصادی

تحریم اقتصادی ممکن است یکی از ضعف‌ها و آسیب‌های مهم برای پیشرفت اقتصادی یک جامعه رشدیابنده باشد و علاوه بر این، قابلیت تبدیل شدن به یکی از قوت‌ها و موارد پیش‌برنده اقتصاد از طریق ایجاد فرصتی برای فعال شدن نیروها و ظرفیت‌های داخلی آن را نیز (مشابه با تعرفه‌های گمرکی^۱) دارد.

در دوره معاصر بر تحریم اقتصادی به مثابه یک سیاست خارجی پراهمیت و «اسلحه‌ای مرگ‌بار» برای جایگزینی جنگ‌های پرهزینه نظامی تأکید جدی‌تری شده است. در مطالعات علمی پرسش‌هایی اساسی درباره این ابزار سیاستی قدرتمند طرح می‌شود مانند اینکه چه مسائلی یک کشور را بر آن می‌دارد که اقدام به اعمال تحریم اقتصادی یا تغییر سیاستی تحریمی کند؟ چه عوامل سیاسی و اقتصادی در موفقیت سیاست‌های تحریم در دستیابی به نتایج مد نظر تأثیرگذار است؟ هزینه‌های تحریم اقتصادی برای کشور تحریم‌کننده و کشور هدف چیست؟ از چه روش‌هایی برای تحلیل تأثیر تحریم بر اقتصاد کشورها استفاده می‌شود؟ رهیافت‌های کاهش بیشتر اثر تحریم‌ها بر اقتصاد و راهکارهای برون‌رفت از شوک‌های اقتصادی امروز چیست؟ و سؤال‌های دیگری که برای اظهار نظر علمی درباره راهکارهای مقابله با تحریم‌ها باید ابتدا به آنها پاسخی منطقی داد (دروری، ۲۰۰۵: ۲).

در سال‌های پس از انقلاب تحریم‌های اقتصادی علیه ایران آغاز شد و روز به روز شدت یافت و ایران به طور رسمی با تحریم‌های تجاری و اقتصادی آمریکا و متحدان اروپایی آن مواجه شد. در سال‌های اخیر نیز به بهانه غنی‌سازی اورانیوم و ماجرای انرژی هسته‌ای، آمریکا توانست متحدانی بین کشورهای اروپایی برای تحریم‌های مالی و تجاری علیه ایران پیدا کند و شدت تحریم‌های گذشته را نیز افزایش دهد. همین امر سبب شد تا در داخل، مشکلات اقتصادی تشدید شود.

این تهدید خارجی که از طریق تحریم بر اقتصاد ایران تحمیل می‌شود از چند طریق شدت یافته است که باید به آنها توجه کرد:

- چندجانبه شدن تحریم‌ها؛

- بسته شدن بسیاری از مسیرهای دور زدن تحریم‌ها؛

۱. تعرفه‌های گمرکی توسط دولت داخلی به منظور افزایش هزینه واردات و گران شدن کالاهای خارجی در جهت توسعه و رقابت‌پذیری صنایع و تولیدات داخلی صورت می‌گیرد و تحریم‌های تجاری و وارداتی نیز دقیقاً هزینه واردات کالاهای خارجی را بسیار افزایش می‌دهد.



- محدود شدن دسترسی به نظام مالی بین‌المللی؛

- هدف قرار دادن فروش نفت و کسب درآمدهای نفتی (با توجه به وابستگی ایران به درآمدهای نفتی)؛

- وابستگی شدید تولید داخلی به فناوری، مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای خارجی؛

- وابستگی نظام ارزی اکثر کشورهای از جمله ایران به دلار و یورو؛

- هم‌زمانی تحریم‌های اقتصادی با آثار نشئت‌گرفته از اجرای طرح تحول اقتصادی؛

- تأثیر عدم مدیریت ادراک مردم و افکار عمومی بر اثربخشی تحریم‌ها (طغیانی و درخشان، ۱۳۹۳).

موارد یادشده موجب تشدید تهدید ناشی از تحریم‌های اقتصادی بر بخش‌های مختلف اقتصاد ایران شده است که باید ذیل عنوان کلی تحریم مورد توجه، تحلیل و بررسی قرار گیرد.

سطح چهارم: تهدیدهای اقتصادی با منشأ تخصیص منابع و قیمت‌های نسبی

۱. سهم بدهی خارجی به کل تولید

استقرار خارجی و وام‌های بین‌المللی چه از کشورهای دیگر چه از سازمان‌های بین‌المللی گرچه در توسعه زیرساخت‌ها و تسریع فرایند توسعه نقش مثبتی ایفا می‌کند، اما اگر سهم این بدهی‌های خارجی نسبت به تولید ناخالص داخلی بالا باشد، اقتصاد را بسیار آسیب‌پذیر و تهدید درخور توجهی بر اقتصاد تحمیل می‌کند.

تجربه کشورهای آمریکای لاتین این تهدید را به خوبی در تمام ابعاد نشان می‌دهد. بحران آمریکای لاتین در اوایل دهه ۱۹۸۰ رخ داد. (البته شروع این بحران برای بسیاری از کشورها در دهه ۱۹۷۰ بود). اغلب از این بحران با عنوان «دهه از دست‌رفته^۱» یاد می‌شود که بدهی‌های خارجی کشورهای آمریکای لاتین بیش از قدرت پرداخت و درآمد آنها بود و این کشورها توان بازپرداخت بدهی‌های خود را نداشتند. استقرار خارجی کشورهای آمریکای لاتین نظیر آرژانتین، برزیل، پرو، اکوادور و مکزیک در دهه‌های ۷۰ و ۱۹۸۰، این کشورها را با بحران بدهی و تورم‌های بسیار بالا مواجه کرد. این بحران زمانی تشدید شد که کشورهای وام‌دهنده، نرخ بهره وام‌ها را شناور اعلام کردند که سبب افزایش فشار بر این کشورها شد. حجم بدهی برخی از این کشورها گاه بیش از کل ارزش تولید ناخالص داخلی یا بیش از پنج برابر کل ارزش صادرات سالانه آنها بود (اندرتون و کارتر، ۲۰۰۹: ۱۲).

این تجربه نشان می‌دهد بی‌توجهی به سهم بدهی و استقراض‌ها در تولید کل و افزایش بی‌رویه آن می‌تواند منجر به آسیب‌پذیر شدن اقتصاد شود و در نتیجه تهدیدی بر ثبات اقتصادی باشد.

۲. مشکلات مقررات

مقررات شامل آیین‌نامه‌ها، دستورالعمل‌ها و بخش‌نامه‌هاست. مشکلات مربوط به مقررات بسیار شبیه مشکلات قوانین است که در بخش قبل بررسی شد؛ با این تفاوت که این اصلاح مقررات بسیار سریع‌تر امکان‌پذیر است و در جهت دیگر، اعمال مقررات مخرب و نوسان در آنها و تضاد اجزای مقررات بسیار بیشتر از قوانین اتفاق می‌افتد. مقررات بوروکراتیک دولتی، عدم حمایت کافی از حقوق مالکیت، تعدد طبقات تعرفه و بالا بودن سطوح آن، رواج موانع تجاری غیرتعرفه‌ای، فقدان پنجره‌های واحد فیزیکی یا مجازی برای صدور انواع مجوزهای مربوط به کسب و کار بیانگر برخی از مهم‌ترین ابعاد ضعف در نظام مقرراتی کشور است.

۳. سهم سرمایه‌های خارجی به GDP

وجود و جذب سرمایه‌های خارجی به داخل اقتصاد موجب توسعه اقتصادی و ایجاد زیرساخت‌های اقتصادی بیشتر در کشور می‌شود و همواره یکی از راهبردهای توسعه اقتصادی در اکثر کشورها تلقی می‌شود. مزیت‌هایی که جذب سرمایه خارجی در داخل کشور دارد بر هیچ اقتصاددانی پوشیده نیست؛ اما وجود سرمایه‌های خارجی بسیار زیاد علاوه بر مزیت‌های توسعه اقتصادی به صورت بالقوه می‌تواند تهدیدی برای اقتصاد باشد. در صورت تحول در اقتصاد کشور و ایجاد مشکلات سرمایه‌گذاری و بازدهی در بازارهای مختلف در اقتصاد کشور و در نتیجه کاهش بازدهی سرمایه‌گذاری (حتی مقطعی) یا افزایش ریسک سرمایه‌گذاری در کشور، باید به دنبال آن منتظر خروج شدید این سرمایه‌های خارجی باشیم که مشکل اقتصادی اولیه را که شاید چندان عمیق نباشد به سادگی به یک بحران بازگشت‌ناپذیر تبدیل می‌کند.

بحران ۱۹۹۷ آسیای جنوب شرقی نشان‌دهنده اهمیت این موضوع است. سال‌های آغازین دهه ۱۹۹۰ سال‌های شکوفایی اقتصاد کشورهای شرقی و جنوب شرقی آسیا

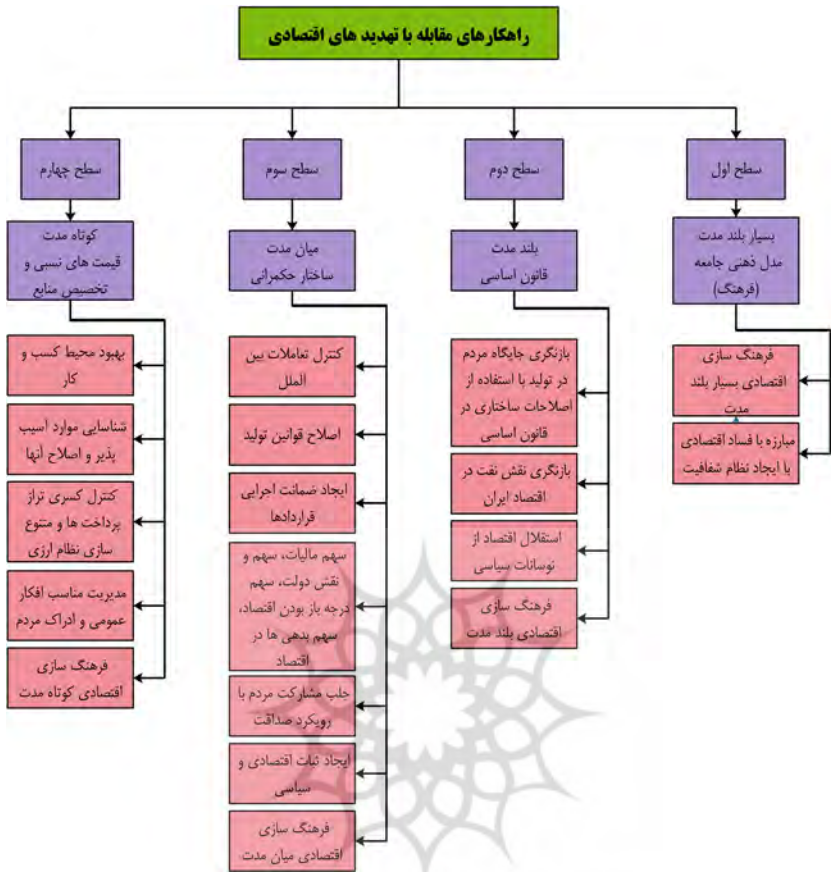


بود؛ از این رو بسیاری از سرمایه‌گذاران بزرگ جهان (از جمله جورج سوروس معروف) اقدام به سرمایه‌گذاری در این منطقه کردند. نرخ بالای بهره در این کشورها موضوع جذابی برای سرمایه‌های سرگردان بود. به این ترتیب طی سال‌های ۹۲ تا ۹۷، این منطقه (شرق آسیا) از جهان حدود نیمی از جریان‌های ورودی سرمایه کشورهای در حال توسعه را به خود جذب کرد. یک تغییر کوچک (شناورسازی واحد پول تایلند (baht) نسبت به دلار) موجب کاهش شدید ارزش پول سایر کشورهای منطقه شد که ورشکستگی‌ها را در پی داشت. بازار سهام سقوط کرد و خیلی سریع دامن تمام اقتصاد جهان را گرفت (کلمب،^۱ ۲۰۰۴: ۴۶).

البته جهت سرمایه‌گذاری نیز می‌تواند تهدیدی بر اقتصاد محسوب شود. برای مثال اگر غالب سرمایه‌گذاری‌ها در یک کشور در راستای تولید کالاهای لوکس و مصرفی باشد و سرمایه‌گذاری کمتری در توسعه فنی زیرساخت‌های تولیدی کشور انجام گیرد، می‌تواند در بلندمدت تهدیدی جدی برای اقتصاد در فضای رقابتی جهانی محسوب شود.

۴. راهکارهای مقابله با تهدیدهای اقتصادی

اهمیت مقابله با تهدیدهای اقتصادی برای دستیابی به توسعه پایدار امری ضروری است، اما سؤال این است که راهکارهای مقابله با تهدیدهای اقتصادی چه خواهد بود؟ در این بخش به برخی از اصلی‌ترین راهکارهای مقابله با تهدیدهای اقتصادی خواهیم پرداخت؛ اما لازم است راهکارهای مقابله با تهدیدها نیز در چهار سطح ویلیامسون تدوین شود تا برنامه‌های بلندمدت، میان‌مدت و کوتاه‌مدت نیز از آن استخراج شود. براساس این تقسیم‌بندی، راهکارهای مقابله با تهدیدهای اقتصادی در چهار سطح در نمودار زیر نمایش داده شده است:



سطح اول: راهکارهای مربوط به اصلاح مدل ذهنی جامعه

۱. فرهنگ‌سازی اقتصادی بسیار بلندمدت

در یک تعریف، فرهنگ‌سازی اقتصادی همان ایجاد درک یکسان مردم بر اساس جایگاه اقتصادی خود از توسعه و هم‌راستایی و هم‌جهت کردن آنها با سیاست‌های کلان اقتصادی است. در کل باید به این نکته اشاره کرد که هرچند سیاست‌های فرهنگ‌سازی اقتصادی جزء سیاست‌های اولیه برای مقابله با تهدیدهای اقتصادی به حساب نمی‌آید، اما شرط لازم برای به نتیجه رسیدن سایر روش‌های مقابله با تهدیدهاست و در صورت غفلت از آن بقیه روش‌ها نیز با شکست مواجه می‌شوند.

فرهنگ اقتصادی ناصحیح به عنوان تهدیدی برای اقتصاد ایران شناخته می‌شود که در بخش سوم بیان شد. هرچند این تهدید مورد تأیید همگان قرار دارد، اما وسعت و تعدد معانی فرهنگ اقتصادی، نهادهای اجرایی را در وحدت رویه برای اجرای



سیاست‌های فرهنگ‌سازی اقتصادی دچار مشکل می‌کند. با این حال در فرهنگ‌سازی قطعاً به دنبال تغییر رفتار مردم هستیم. فرهنگی که تغییری در رفتار مردم ایجاد نکند نتیجه عملیاتی ندارد و ناقص است و آنچه به لحاظ علمی پذیرفته شده، این است که یک مدل تغییر رفتار بر مبنای سه عامل اصلی تغییر نگرش، گرایش و کنش تشکیل می‌شود. آنچه در سطح بسیار بلندمدت فرهنگ‌سازی اقتصادی مورد توجه قرار می‌گیرد سیاست‌های اجرایی در جهت تغییر نگرش مردم به اقتصاد است.

نگرش نسبت به وضعیت موجود و نگرش نسبت به وضعیت مطلوب باید تغییر کند تا بتوان گفت فرهنگ‌سازی در بعد نگرش ایجاد شده است. تغییر در شناخت یا نگرش نسبت به چیزی وابسته به سابقه و تجربه تاریخی افراد است و در کوتاه‌مدت یا حتی میان‌مدت ایجاد نمی‌شود. قرآن ابزار لازم برای این نوع شناخت را «افنده» نامیده است. افنده در قرآن به معنای قلب به کار رفته و منظور چیزی است که انسان با آن ادراک می‌کند. برای اصلاح نگرش‌ها به ویژه در مورد وضع مطلوب، مردم نیازمند ابزار تمایز درست و غلط هستند. هم در نگاه اسلامی و هم در روان‌شناسی غربی این قدرت و ابزار بسیار بلندمدت است. بنابراین فرهنگ‌سازی در سطح نگرش در سطح اول تغییرات نهادی قرار می‌گیرد.

۲. مبارزه با فساد اقتصادی و ایجاد نظام شفافیت

فساد و مبارزه با آن امروزه در بسیاری از کشورهای مختلف جهان به عنوان مسئله‌ای اساسی مد نظر است. مهم‌ترین علل فساد اقتصادی در بخش عمومی به تصدی‌های دولت در اقتصاد مربوط می‌شود و شامل محدودیت‌های تجاری، یارانه‌های صنعتی، کنترل قیمت‌ها، نرخ‌های چندگانه ارزی، دستمزدهای پایین در خدمات دولتی، تجاری و ذخایر منابع طبیعی مانند نفت است. برای حل این مشکل لازم است دولت به عنوان مکمل بخش خصوصی باشد و نه رقیب آن. فساد اقتصادی سبب کاهش سرمایه‌گذاری و کندی رشد اقتصادی و در نهایت باعث عدم تحقق اهداف توسعه اقتصادی در کشور می‌شود. درآمدهای مالیاتی کاهش می‌یابد و کیفیت زیرساخت‌های اقتصادی و خدمات عمومی تنزل پیدا می‌کند. در واقع بزرگ‌ترین تهدید داخلی برای یک اقتصاد، فساد اقتصادی است که باعث بی‌اعتمادی شدید مردم به دولت و مسئولان حکومتی نیز می‌شود. برای حل این مسئله باید رفع انحصارات و وضع قواعد عادلانه رقابت در دستور کار قرار گیرد.

سطح دوم: راهکارهای مربوط به قانون اساسی

۱. بازنگری جایگاه مردم در تولید با اصلاح در ساختار قانون اساسی

در قانون اساسی کشور به طور ویژه در اصول ۴۳ و ۴۴ قانون اساسی فعالیت‌های اقتصادی بین مردم و دولت تقسیم شده است. البته در اصلاحیه مربوط به اصل ۴۴ قانون اساسی سعی شد جایگاه مردم در تولید تا حدودی اصلاح شود، اما حجم فعلی دولت، ناکارایی‌ها، رانت و فساد به عنوان اصلی‌ترین تهدیدها به ما نشان می‌دهد که جایگاه مردم در تولید نیازمند بازنگری جدی‌تر است.

۲. بازنگری نقش نفت در اقتصاد ایران

به نظر می‌رسد برای نیل به الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت، لازم است دور باطل حاصل از تشدید جریان رانت نفت (و از این پس نفت و گاز) از بین برود. با توجه به آموزه‌های اقتصاد اسلامی، دانش و تجربه انباشته بشری از جمله دلالت‌های مربوط به نقش نهادها در اقتصاد ملی و مختصات کشور قابل گسست است. بر این اساس ضروری می‌نماید الگوی مالکیت، مدیریت، راهبری، بهره‌برداری و نظارت بر چرخه منبع- محصول- رفاه مبتنی بر قانون اساسی (اصل چهل و پنجم)، شناسایی و تضمین حقوق مالکیت (فیزیکی و فکری)، تدوین ضوابط دستیابی به عدالت درون‌نسلی و بین‌نسلی، اجرا و نظارت بر آن (برابری فرصت‌ها، سهم شایسته عوامل، توزیع منصفانه منابع و...)، استقرار حداکثر کارایی (تخصیصی و فنی) و اثربخشی در همه فرایندها، تدوین، اجرا و نظارت بر شاخص‌های بهره‌برداری صیانتی (نرخ تخلیه بهینه، تخصیص راهبردی دارایی‌ها و...)، تدوین و تضمین حقوق محیط زیست و سایر ذی‌حقان، احصا و جذب رانت منابع توسط حکومت اسلامی از طریق دریافت حق مالکانه (مالیات و...) و واریز آن به صندوق توسعه ملی و ... تدوین، اجرا و نظارت شود.

۳. استقلال اقتصاد از نوسانات سیاسی

در شرایط نهادی حاکم بر اقتصاد ایران، با تغییر دولت یا مجلس، استراتژی‌های تدوین‌شده برای اقتصاد کشور دچار تحولات اساسی می‌شود و تمام برنامه‌ها و خط‌مشی‌های تدوین‌شده تغییر می‌کند. بر این اساس در قوانین و مقررات، مصلحت‌های سیاسی بر قواعد اقتصادی غلبه می‌کند و موجب بی‌ثباتی می‌شود.



هرچند وجود اختلاف نظر بین دولت‌ها در برنامه‌های اقتصادی و روش توسعه اقتصادی قابل قبول و توجیه‌شده است، اما تعدد این اختلاف نظرها باعث می‌شود اقتصاد با نوسانات سیاسی پیوند بخورد و دچار نوسانات شدید شود. تورم کنترل‌شده در چهار سال اول دولت‌ها و نرخ‌های تورم بالاتر در چهار سال دوم آنها، سهمی از برنامه‌های توسعه مصوب در دولت قبلی که در دولت بعدی اجرایی نمی‌شود، ترس از اجرای سیاست‌های انبساطی در چهار سال اول و ... همه تنها نشانه‌هایی از وابستگی شدید برنامه‌های توسعه اقتصادی به سیاست است. این امر تهدیدی جدی برای اقتصادی ایران به حساب می‌آید.

اولین گام برای ایجاد ثبات اقتصادی (که خود در سطح سوم نهادی بحث می‌شود) استقلال از نوسانات سیاسی است. ایجاد یک هیئت مرکزی اقتصادی که برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجرایی شدن آن بین همه دولت‌ها را دنبال کند، می‌تواند تا حدودی این استقلال را ایجاد کند.

۴. فرهنگ‌سازی اقتصادی بلندمدت

همان‌طور که اشاره شد، یک مدل تغییر رفتار بر مبنای سه عامل اصلی تغییر نگرش، گرایش و کنش تشکیل می‌شود. آنچه در سطح بلندمدت فرهنگ‌سازی اقتصادی مورد توجه قرار می‌گیرد سیاست‌های اجرایی در جهت تغییر گرایش‌های مردم در اقتصاد است. تغییر گرایش‌های مردم به دو صورت انجام می‌گیرد: اول با تغییر در نگرش مردم و سپس تقویت آن تا گرایش و تمایلات مردم در جهت مد نظر تغییر یابد. البته ممکن است نگرش و شناخت مردم تغییر کند، اما مردم گرایشی به موضوع مد نظر نداشته باشند؛ بنابراین با فرهنگ‌سازی باید احساسات مطلوبی نسبت به موضوع مربوط در آنها ایجاد کرد تا به آن گرایش یابند. دوم اینکه گرایش‌های مردم به صورت مستقیم و بدون تغییر نگرش و شناخت مردم و با ابزارهای مختلف هدف فرهنگ‌سازی قرار گیرد. گرایش مردم به عدم ارتکاب جرم به دلیل نهادهای نظارتی یا ساختار نهادی و فرهنگی براساس همین روش دوم تغییر گرایش است.

در روش اول، تبدیل نگرش اصلاح‌شده مردم به گرایش، علاقه و اشتیاق نسبت به موضوع مربوط و در روش دوم تغییر در ساختار نهادی برای ایجاد گرایش در مردم سیاستی بلندمدت است. ابزارهای ایجاد و تغییر در گرایش‌های مردم، عواطف، غرایز، هنجارهای اجتماعی و عادت‌ها هستند که همگی در بلندمدت قابل برنامه‌ریزی هستند.

سطح سوم: راهکارهای مربوط به ساختار حکمرانی

۱. کنترل تعاملات اقتصادی بین‌المللی

اگرچه جابه‌جایی نیروی کار، سرمایه و کالاها بین کشورها و استفاده از مزیت‌های نسبی موجب منافع متقابل می‌شود، وابستگی به مبادله عوامل تولید و تجارت با کشورهایی که مشترکات راهبردی عمده با ما ندارند، زمینه تعاملی شکننده و ناپایدار را فراهم می‌کند که در صورت قطع این روابط، مشکلات عدیده‌ای برای اقتصاد کشور ایجاد خواهد شد و بنابراین تهدید جدی برای ما به حساب می‌آید. پی‌ریزی تعاملاتی هوشمندانه مبتنی بر همسویی منافع در طول برداری از اشتراکات مذهبی، سیاسی، امنیتی، اقتصادی و... می‌تواند در مواقع دشواری به کمک آید.

در صورتی که تعاملات اقتصادی در فضای بین‌الملل با کشورهایی که اشتراکات امنیت اقتصادی بسیاری با آنها داریم، بسیار توسعه یابد، چندان تهدیدی بر اقتصاد به وجود نمی‌آید؛ اما زمانی که با کشورهای به اصطلاح دشمن یا کشورهایی که منافع متقابل امنیت اقتصادی داریم، وارد تعاملات اقتصادی با حجم بالا شویم، باعث ایجاد تهدید اقتصادی بسیاری می‌شود، زیرا احتمال قطع ارتباط در بدترین زمان ممکن از سوی او وجود دارد. به لحاظ منطقی به دلیل وجود منافع متقابل و متضاد، تضعیف اقتصادی طرف مقابل باعث کاهش قدرت چانه‌زنی او می‌شود و در تعاملات ساده‌تر می‌توان از طرف مقابل امتیاز گرفت.

این تهدید زمانی بسیار شدیدتر می‌شود که کشوری کوچک تعامل اقتصادی بزرگ ایجاد کند؛ به طوری که قطع ارتباط تجاری و بالفعل کردن تهدید اقتصادی هزینه‌چندانی برای او همراه نداشته باشد یا هزینه این عمل برای وی قابل تحمل باشد. در این شرایط احتمال استفاده از شرایط تهدید بیشتر و خطر تهدید اقتصادی افزایش می‌یابد. مهم‌ترین حامیان تجارت آزاد، قوانینی با عنوان «قانون تجارت با دشمن» تصویب کرده‌اند که به دولت آنها در مواقع اضطراری اجازه هر نوع کنترل و تحدید تعاملات اقتصادی بین‌المللی را می‌دهد. این قانون در ایالات متحده آمریکا در سال ۱۹۱۷ و در انگلستان در سال ۱۹۳۹ به تصویب رسیده و در مواقعی مانند جنگ دوم جهانی نیز از آن استفاده شده است. در ماده ۵ این قانون آمده است: «در زمان جنگ یا هر زمانی که رئیس‌جمهوری وضعیت اضطراری ملی اعلان کند، رئیس‌جمهور می‌تواند از طریق هر سازمانی که ایجاد می‌کند یا طرق دیگر، به بررسی، تنظیم و کنترل یا وضع ممنوعیت‌هایی در قالب قوانین موجود یا خارج از شمول آنها، بر هر گونه معاملات در



بازار ارز، نقل و انتقال اعتبار بین افراد و بنگاه‌ها یا هر پرداخت مؤسسات بانکی و هر نوع صادرات، احتکار، ذوب یا انتقال فلزات گرانبها (طلا و نقره) در چارچوب تعریف رئیس‌جمهوری بپردازد و...»

به عبارت دیگر می‌توان گفت اصول تجارت با دشمن یا وضعیت اضطراری از اصول عام تجارت بین‌الملل متفاوت است. در مبانی دینی اسلامی نیز قرآن کریم از هر گونه روابط و تعاملی با غیرمسلمانان که سبب سلطه اقتصادی و سیاسی آنها بر مسلمین شود، منع کرده است که با عنوان «قاعده نفی سییل» در قواعد فقهی از آن نام برده می‌شود. با توجه به این مبانی لازم است روابط تجاری حتی در وضعیت عادی نیز با توجه به ملاحظات این قاعده ساماندهی شود. علاوه بر برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در روابط تجاری بین‌المللی لازم است جریان‌های مالی و ارزی ورودی و خروجی نیز در وضعیت تحریم و وجود کمبود منابع به صورت جدی تری کنترل و نظارت شود. کنترل جدی بر عرضه و تقاضای ارز در بازار و هدایت آن در جهت نیازمندی‌های اساسی اقتصاد از مسائل مهمی است که لازم است برای آن تدبیری اندیشه شود.

۲. اصلاح قوانین تولید

تهدیدهای با منشأ خارجی معمولاً به دلیل وابستگی به تولیدات و کالاهای واسطه‌ای آنها به وجود می‌آید و کاهش وابستگی به تولیدات خارجی برای مقابله با تهدیدهای اقتصادی اهمیت زیادی دارد. وابستگی بسیاری از صنایع کشور تنها به یک یا چند قطعه بسیار کوچک از سایر کشورها باعث می‌شود تا در صورت قطع واردات چنین قطعات و کالاهایی زیان‌چندان‌ی به کشور صادرکننده وارد نشود؛ ولی ممکن است موجب تعطیلی برخی صنایع در کشور شود. این وابستگی در بیشتر صنایع کشور تهدید بسیار بزرگی محسوب می‌شود که باید در اولین گام‌های مقابله با تهدیدهای اقتصادی بر آن تمرکز و آن را حل کرد. اصل کلیدی نیز آن است که کالاهای اساسی و راهبردی همچون غذا، دارو، سوخت و نیازهای دفاعی مبتنی بر منابع، توان و جهت‌گیری‌های داخلی باشد.

اشکال اصلی در وابستگی به سایر کشورها این است که در پایه‌های صنعت و بخش‌های دانش‌بنیان معمولاً این وابستگی بیشتر است و در صورت قطع پایه‌های دانش‌بنیان یک صنعت، توقف صنعت بسیار محتمل‌تر است. اما اگر واردات برخی ماشین‌آلات یا مواد اولیه متوقف شود، امکان جایگزینی آن بسیار بیشتر است و تهدید کمتری متوجه اقتصاد خواهد شد.

بنابراین گام مهم در کاهش وابستگی به سایر کشورها توسعه اقتصاد دانش‌بنیان و در دست گرفتن اجزای دانش‌بنیان صنایع مختلف و تولید آنها در داخل است. این مهم با گسترش واحدهای تحقیق و توسعه و ایجاد ارتباط وثیق میان دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی با صنایع می‌تواند انجام شود. دولت می‌تواند برای تسریع این امر به سیاست‌های تشویقی مبادرت ورزد.

۳. ایجاد ضمانت اجرایی

در اصلاح ساختار حکمرانی یکی از اصلی‌ترین ابزارها اصلاح قوانین است؛ اما اصلاح قوانین در صورتی که ضمانت اجرایی نداشته باشد، نمی‌تواند موجب اصلاح ساختار حکمرانی و در نتیجه رفع تهدیدها شود. در تعاملات اقتصادی نیز در صورتی که برای اعمال قراردادهای اقتصادی بین طرفین ضمانت اجرایی سریع و کم‌هزینه وجود داشته باشد، کاهش فضای ناطمینانی موجب توسعه اقتصادی خواهد شد. فقدان ضمانت اجرایی در این بخش نیز موجب توسعه منشأهایی مانند فساد اقتصادی، اقتصاد زیرزمینی، ایجاد فضای ناطمینانی و تخریب فضای کسب و کار خواهد شد. بنابراین در سطح سوم ساختار نهادی و حکمرانی ایجاد نهادهای ضمانت اجرایی جزء اصلی و مکمل اصلاحات دیگر خواهد بود.

۴. سهم مالیات، دولت، بدهی و درجه باز بودن اقتصاد

سهم مالیات در کشورهای OECD از تولید ناخالص داخلی آنها به طور میانگین در سال ۲۰۱۴ برابر ۳۴/۴ درصد است و سهم همه مخارج دولت (اعم از فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی، اداره حکومت، امنیت، دفاع و ...) در تولید ناخالص داخلی آنها به طور میانگین ۲۸/۸ درصد است؛ در مقابل، سهم مالیات در تولید ناخالص داخلی ایران در این سال برابر ۵/۲ درصد است که رقم بسیار پایینی به حساب می‌آید^۱ و سهم کل مخارج دولت در اقتصاد بیش از ۶۰ درصد برآورد شده است. (در برخی مطالعات بیش از ۷۰ درصد برآورد شده است.) این مسئله نشان می‌دهد علاوه بر اینکه سهم و نقش دولت در اقتصاد ایران به شدت زیاد است، وابستگی دولت به درآمد پایداری مانند مالیات نیز بسیار کم و در مقابل به درآمدهای نفتی غیرپایدار وابسته است. اصلاح ساختار حکمرانی و قوانین به معنای تغییر سهم مالیات و سهم و نقش دولت در اقتصاد

۱. داده‌های صندوق بین‌المللی پول (IMF) در سال ۲۰۱۵



ایران راهکاری ضروری برای رفع این تهدید خواهد بود. در راستای همین اصلاحات میزان بدهی به کل تولید یا کسری بودجه دولت و همچنین درجه باز بودن اقتصاد نیز قابل تحلیل و بررسی است.

۵. جلب مشارکت مردم با رویکرد صداقت

همکاری و مشارکت مردم در برنامه‌های توسعه اقتصادی و همچنین سیاست‌های مقابله با تهدیدهای اقتصادی ضروری است. عامل موفقیت اکثر سیاست‌های بخش عمومی و کلان، همکاری‌های مردمی است که باید به صورت فعال در برنامه‌ها مشارکت کنند. در بسیاری موارد الگوهای مصرف، الگوهای تولید، استفاده از فناوری‌های خاص و کمک‌های مردم در رفع نیازهای شهری برای حرکت در مسیر توسعه قطعاً لازم است. برای جلب مشارکت مردم کافی است از رویکرد صداقت استفاده شود. ژاپن در طول توسعه اقتصادی از این رویکرد استفاده و مردم را با خود همراه کرد. در واقع یکی از واقعی‌ترین و صادقانه‌ترین گزارش‌های اقتصادی در دهه ۱۹۴۰ در دولت ژاپن به مردم ارائه شد. دولت صادقانه به مردم گفت اگر می‌خواهید از مشکلات اقتصادی پس از جنگ جهانی خلاص شوید و توسعه اقتصادی پیدا کنید، باید با دولت همکاری کنید. بهره‌وری تولید و سطح تلاش بین مردم افزایش یافت و در رقابت با اقتصادهای بزرگ که ارتباط با آنها تهدید اقتصادی محسوب می‌شد، موفق شدند و در تجارت بین‌الملل نیز به زودی به دستاوردهای قابل قبولی دست یافتند. شایان ذکر است دولت ژاپن دستاوردهای اقتصادی خود را به طور صادقانه و مرتب گزارش می‌داد و همراه مردم جشن می‌گرفتند. در واقع هم دولت و هم مردم همکاری را پذیرفته بودند و نگاه بالا به پایین از جانب مسئولان و پایین به بالا از جانب مردم وجود نداشت و همه به صورت همکارانه تعامل می‌کردند (هوگس، ۲۰۰۳: ۱۶).

بنابراین اولین راهکار مقابله با تهدیدهای اقتصادی و به طور ویژه تهدیدهای اقتصادی با منشأ خارجی مشارکت مردم است و این مهم نیز از طریق رویکرد صداقت تأمین خواهد شد. اعتماد مردم به دولت اصلی‌ترین عنصر جلب مشارکت مردمی است که با این رویکرد حاصل می‌شود و بالعکس با فساد اقتصادی و گزارش‌های دروغ و بی‌ثباتی‌های سیاسی و اقتصادی از آن کاسته می‌شود.



۶. ایجاد ثبات سیاسی-اقتصادی

توسعه اقتصادی و حفظ منافع مردم هر کشور در شرایط ثبات اقتصادی میسر است. ثبات اقتصادی به معنی ساکن یا ثابت ماندن اقتصاد نیست، بلکه بدان معناست که در شاخص‌های کلان اقتصاد از جمله قیمت ارز، تورم، بیکاری، میزان عمومی سود سپرده‌ها و تسهیلات، مقدار نقدینگی و غیره نوسانات فاحش ایجاد نشود و با این شرایط مردم و بنگاه‌های اقتصادی بتوانند با برنامه‌ریزی مطمئن و فعالیت مثبت به توسعه و پیشرفت نائل شوند. اما بی‌ثباتی در اقتصاد به اخلاط‌گران اقتصادی و رانت‌خواران فرصت می‌دهد فعالیت‌های سودجویانه خود را توسعه دهند که این شرایط ضرر و زیان جامعه را در ابعاد گوناگون به دنبال خواهد داشت.

بنابراین ثبات اقتصادی می‌تواند با روشن شدن مسیر توسعه و یکنواخت کردن حرکت متغیرهای اقتصادی علاوه بر جلب اعتماد و اطمینان بازیگران اقتصادی از نوسانات نابهنگام متغیرهای کلان جلوگیری کند و راهی برای مقابله با تهدیدهای اقتصادی باشد.

راه‌های دستیابی به ثبات اقتصادی عبارت‌اند از:

- ایجاد آرامش در فضای سیاسی کشور؛
- ثبات در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌های اقتصادی؛
- ثبات قوانین و البته مقررات‌زدایی و کاهش قوانین و مقررات انبوه فعلی به منظور تسهیل و روان‌سازی فعالیت‌های اقتصادی؛

- سرعت بخشیدن به بررسی و پاسخگویی درخواست‌های متقاضیان و کاهش بوروکراسی زاید که موجب ائتلاف منابع و دلسردی و بی‌انگیزگی فعالان اقتصادی می‌شود (خلیلی و رمضانپور، ۱۳۸۰).

آزادسازی بازارها بر اساس عرضه و تقاضا به طوری که سازوکارها بر اساس منطق خود بازار عمل کند. البته این امر باید با ایجاد مکانیسم قانون‌گذاری و نظارت در قلمرو خود بازار (نه کالاهای استراتژیک) صورت گیرد تا موجب تشدید بی‌ثباتی نشود.

۷. فرهنگ‌سازی اقتصادی میان‌مدت

یک مدل تغییر رفتار بر مبنای سه عامل اصلی تغییر نگرش، گرایش و کنش تشکیل می‌شود. تغییر در رفتار و کنش مردم از طریق تصویب قوانین و تغییر در ساختار حکمرانی فرهنگ‌سازی در میان‌مدت است. هر چند تغییر در رفتار مردم از یک سو نیازمند تغییر در گرایش‌های مردم است، اما ساختار قوانین و ایجاد ضمانت اجرایی



برای آنها می‌تواند رفتار مردم را تغییر دهد. فرایند ایجاد قوانین متناسب با فرهنگ اقتصادی صحیح و همچنین ایجاد ضمانت اجرایی برای آنها میان مدت است.

سطح چهارم: راهکارهای مربوط به تخصیص منابع و قیمت‌های نسبی

۱. بهبود محیط کسب و کار

محیط کسب و کار مجموعه‌ای از سیاست‌ها، شرایط حقوقی، نهادی و مقرراتی است که بر فعالیت‌های کسب و کار حاکم است. موانع سخت و دیوان‌سالاری اداری باعث تبدیل شدن بخش خصوصی به بخش زیرزمینی، غیررسمی و غیرمولد می‌شود و توسعه اقتصادی را با مشکل مواجه می‌کند. سهولت کسب و کار، شروع کسب و کار، اخذ مجوزهای ساختمانی، استخدام نیروی کار، ثبت دارایی اموال شرکت، اخذ اعتبار، حمایت از سرمایه‌گذاران (سهامداران جزء)، پرداخت مالیات، تجارت برون مرزی، اجرا و الزام آور بودن قراردادهای و انحلال کسب و کار از معیارهای اندازه‌گیری فضای کسب و کار است. فقدان هماهنگی‌های لازم میان سازمان‌ها و نهادهای درگیر، نبود اطلاعات متقارن و کمبود آگاهی از قوانین و مقررات از موانع پیش روی بهبود فضای کسب و کار است. سهولت فضای کسب و کار، عدم سخت‌گیری‌های بوروکراتیک و افزایش بازدهی بخش‌های صنعتی تولیدی موجب بهبود رابطه مبادله به نفع بخش مولد خواهد شد.

۲. شناسایی موارد آسیب‌پذیر و برنامه‌ریزی برای رفع آنها

همان‌طور که در تعریف آسیب‌پذیری و تهدید بیان شد، دلیل اینکه در یک بخش امکان تهدید اقتصادی وجود دارد این است که ویژگی آسیب‌پذیری در یکی از اجزای آن وجود دارد. قاعدتاً اگر آسیب‌پذیری حل شود، امکان تهدید از منشأهای داخلی و خارجی نیز صفر خواهد شد.

اگرچه اقتصاد ایران بعد از انقلاب همواره با تحریم مواجه بوده و تا حدی نقاط آسیب‌پذیر خود را تقویت کرده است، اما تجربه اخیر تشدید تحریم‌ها نشان می‌دهد اقتصاد ایران نقاط آسیب‌پذیر بسیاری دارد که آن را در مقابل تحریم‌ها آسیب‌پذیر می‌کند. در این میان شناسایی موارد آسیب‌پذیری تولید اهمیت زیادی دارد. وجود مشکلات ساختاری و موارد آسیب‌پذیر در مدیریت اقتصادی، بخش‌های تولید، فرایند توزیعی و رفتارهای مصرفی هر یک می‌تواند به ایجاد فضایی برای تهدیدهای اقتصادی و در نتیجه کاهش قدرت چانه‌زنی ایران در فضای بین‌الملل بینجامد.



۳. کنترل کسری تراز پرداخت‌ها و متنوع‌سازی منابع ارزی کشور

یکی از متغیرهای مهم در تشدید اثربخشی تهدیدهای اقتصادی وضعیت نظام ارزی شامل وابستگی به درآمدهای ارزی در همه بخش‌های اقتصاد به صورت مستقیم و غیرمستقیم در کنار کسری تراز پرداخت‌های خارجی است. تشدید کسری تراز پرداخت‌ها موجب تغییر قیمت بازاری ارز می‌شود و نوسانات اقتصادی و نااطمینانی را افزایش می‌دهد و موجب تشدید اثر تهدیدهای اقتصادی به ویژه با منشأ خارجی می‌شود.

بنابراین حذف وابستگی بودجه دولت به درآمدهای ارزی حاصل از نفت، گاز و پتروشیمی و حرکت به سوی کسب ارز از طریق صادرات کالاها و خدمات غیرنفتی به کشورها متنوع باعث می‌شود قطع ارتباط یک کشور تأثیر چندانی بر میزان ارز کشور یا تأثیری چندانی بر بازار ارز و قیمت آن نداشته باشد.

۴. مدیریت مناسب افکار عمومی و ادراک مردم

همان‌طور که اشاره شد، در بسیاری از مواقع اگر مردم بر این باور باشند که یک تهدید اقتصادی نمی‌تواند هیچ اثری بر اقتصاد داشته باشد، رفتارهایی نشان خواهند داد که عمق آثار تهدیدها را خود به خود کمتر می‌کند و حتی در صورت بالفعل شدن تهدیدها چندان اثر واقعی بر اقتصاد نخواهد گذاشت و برعکس اگر ادراک مردم از وضعیت جامعه این باشد که یک تهدید اقتصادی می‌تواند کشور را مختل کند، رفتارهای واکنشی مردم و حتی مسئولان موجب اثربخش شدن آن تهدید و افزایش تأثیر واقعی آن بر اقتصاد خواهد شد. بنابراین یکی از راه‌های کاهش تهدیدهای اقتصادی این است که با مدیریت افکار عمومی و ادراک مردم، اثر آن تهدید بر اقتصاد بسیار کم‌رنگ نشان داده شود تا واقعاً نیز چنین شود.

بنابراین آگاه‌سازی مردم به روش درست، گزارش‌های شفاف و منطقی از وضعیت اقتصادی، تفسیر این واقعیت که همکاری مردم اثر تهدیدها را خنثی خواهد کرد و البته در کنار دوری رسانه‌ها و مطبوعات از مبالغه در مورد تهدیدها و آثار آن و همچنین تحلیل‌های نادرست و غیرواقعی می‌تواند گامی مؤثر در مدیریت و کاهش تهدیدهای اقتصادی باشد.



۵. فرهنگ‌سازی اقتصادی کوتاه‌مدت

واژه فرهنگ‌سازی با کوتاه‌مدت جمع نمی‌شود و نمی‌توان ادعا کرد که روشی برای فرهنگ‌سازی کوتاه‌مدت وجود دارد؛ اما ابزارهایی وجود دارد که می‌تواند به سرعت رفتار مردم را تغییر دهد (مانند ابزارهای بازدارنده، جریمه‌ها، مأمورین نظارتی و ...) و علاوه بر حل مشکل امروز جامعه، گامی در جهت فرهنگ‌سازی برداشته شود؛ به این معنا که تداوم در استفاده از این ابزارها می‌تواند رفتار کوتاه‌مدت ایجادشده بین مردم را به یک عادت و هنجار اجتماعی تبدیل کند و مردمی که متوجه مزایای ایجاد چنین رفتار جمعی شده‌اند، ناخودآگاه به آن علاقه‌مند می‌شوند و گرایش نیز پیدا می‌کنند و در بلندمدت حتی نگرش آنها نیز تغییر خواهد کرد. این روش معکوس فرهنگ‌سازی در بسیاری از کشورها مورد استفاده قرار می‌گیرد.

نتیجه‌گیری

این پژوهش ابتدا با مطالعه تاریخ وقایع اقتصادی نشان داد که تهدیدهای اقتصادی و راهکارهای مقابله با آنها به عنوان نظامی برای دفاع اقتصادی در مکاتب مختلف وجود داشته و از آن استفاده شده است. این مطالعات همچنین نشان داد تغییر در ساختار نهادی اقتصاد جزء اولین فعالیت‌ها در این دفاع اقتصادی و ایجاد ساختاری مقاوم است و بنابراین باید اقتصاد نهادی و روش‌های ایجاد اصلاحات در نهادها مورد توجه ویژه قرار گیرد. بنابراین برای تبیین منسجم و مطابق برنامه‌های توسعه اقتصادی لازم بود با بررسی تعاریف اقتصاد نهادی به تبیین سطوح نهادی ویلیامسون پرداخته شود. اصلاح و ایجاد تغییر در این چهار سطح به ترتیب در بسیار بلندمدت (تغییرات ذهنی)، بلندمدت (تغییرات قانون اساسی)، میان‌مدت (تغییر در ساختار حکمرانی و قوانین) و در کوتاه‌مدت (تغییر در مقررات، آیین‌نامه‌ها، بخش‌نامه‌ها و ...) صورت می‌گیرد.

بنابراین با روش کتابخانه‌ای به بررسی تاریخ وقایع اقتصادی در ایران و سایر کشورهای مشابه پرداخته و منشأ تهدیدهای اقتصادی در ایران، در هر یک از سطوح نهادی یادشده تبیین و مسیر تأثیر هر یک بر اقتصاد تحلیل شد تا مسائل اصلی برنامه‌های زمان‌دار در مقابله با تهدیدها روشن شود. سپس با تبیین وضعیت موجود کشور از لحاظ تهدیدها و همچنین فرصت‌ها، مؤلفه‌های دفاع اقتصادی طراحی و از روش طوفان مغزی و جلسات نخبگانی برای دستیابی به این مؤلفه‌ها، راهکارهای اثربخش برای مقابله با تهدیدهای اقتصادی ارائه شد. این راهکارها نیز در چارچوب

الگوی چهار سطحی ویلیامسون دسته‌بندی و ارائه شد تا روشن شود که در هر یک از برنامه‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت، بلندمدت و بسیار بلندمدت چه راهکارهایی برای مقابله با تهدیدهای اقتصادی باید مورد استفاده قرار گیرد.

برای اولویت‌بندی راهکارهای مقابله با تهدیدهای اقتصادی باید گفت استفاده از روش‌های کوتاه‌مدت در برنامه‌ها و طرح‌های اجرایی نهادهای کشور گام نخست مقابله با تهدیدها خواهد بود. در همین حین برنامه‌ریزی و استفاده از راهکارهای سطوح بالاتر به ترتیب می‌تواند گام به گام کشور را به لحاظ ساختاری و نهادی در جهت مقاوم‌سازی، آسیب‌ناپذیری و درون‌زایی حرکت دهد.

منابع فارسی

- تقوی، مهدی و حسین محمدی (۱۳۸۵)، «تأثیر سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی در ایران»، پژوهشنامه اقتصادی.
- جعفری، محبوبه، کریم اسلاملوئیان، ابراهیم هادیان و علی حسین صمدی (۱۳۹۳)، «اثر کیفیت زیرساخت‌های اجتماعی بر رشد اقتصادی در یک اقتصاد غنی از منابع طبیعی، مورد ایران»، پژوهشنامه اقتصاد انرژی ایران، س ۳، ش ۱۲.
- جهانگرد، اسفندیار و مهرنوش شیشوانی (۱۳۹۳)، «بررسی اثرات مستقیم و غیرمستقیم سرمایه انسانی بر رشد فعالیت‌های اقتصادی ایران»، فصلنامه اقتصاد کاربردی، س ۴.
- خلیلی عراقی، منصور و اسماعیل رمضانپور (۱۳۸۰)، «اهمیت محیط با ثبات اقتصاد کلان»، مجله تحقیقات اقتصادی، ش ۵۸.
- ربیعی، مهنار (۱۳۸۸)، «اثر نوآوری و سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی در ایران»، مجله دانش و توسعه (علمی- پژوهشی)، س ۱۶، ش ۲۶.
- روحانی، حسن (۱۳۸۸)، «درآمدی بر نظریه سرمایه فرهنگی»، فصلنامه راهبرد، س ۱۸، ش ۵۳.
- طغیانی، مهدی و مرتضی درخشان (۱۳۹۳)، «تحلیل عوامل تأثیرگذاری تحریم‌های اقتصادی بر ایران و راهکارهای مقابله با آن»، فصلنامه راهبرد، ش ۷۳.
- عزیز نژاد، صمد و سیدمحمد رضا سید نورانی (۱۳۹۱)، «بررسی آثار تحریم‌های اقتصادی ایران با تأکید بر تجارت خارجی»، مجلس و پژوهش، س ۱۶، ش ۶۱.
- علمی، زهرا، محمود شارع پور، سید امیرحسین حسینی (۱۳۸۴)، «سرمایه اجتماعی و تأثیر آن بر اقتصاد»، مجله تحقیقات اقتصادی، ش ۷۱.
- کمیته پژوهشی عدالت و رفاه اقتصادی (۱۳۸۶)، مکانیسم تأثیرگذاری فساد بر روی



توسعه اقتصادی، مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک.
 - محمودزاده، محمود و حسین اصغریور (۱۳۸۷)، «عوامل مؤثر بر کسری حساب جاری
 در ایران»، فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی، س ۲، ش ۲.
 - نصحیان محمد مهدی (۱۳۸۷)، «نقش اعتماد متقابل حکومت و مردم در روند توسعه
 سیاسی»، فصلنامه راهبرد یاس، ش ۱۴۰.

منابع لاتین

- Allen, R. L. (1960), *Soviet Economic Warfare*, Public Affairs Press.
- Anderton, C. H., & Carter, J. R. (2009), *Principles of Conflict Economics: A Primer for Social Scientists*, Cambridge University Press.
- Brück, T. (Ed.). (2007), *The Economic Analysis of Terrorism*, Routledge.
- Brzoska, M., & Lopez, G. A. (Eds.). (2009), "Conflict Management, Peace Economics and Development", In *Putting Teeth in the Tiger: Improving the Effectiveness of Arms Embargoes*, Emerald Group Publishing Limited, p. ii.
- Coulomb, F. (2004), *Economic Theories of Peace and War*, Routledge.
- Dunne, J. P., & Coulomb, F. (2008), "Peace, War and International Security: Economic Theories", *War, Peace, and Security*, Bingley, UK: Emerald, 13-36.
- Førland, T. E. (1993), "The History of Economic Warfare: International law, Effectiveness, Strategies", *Journal of Peace Research*, 30(2), 151-162.
- Freeman, K. (2012), *Secret Weapon: How Economic Terrorism Brought Down the US Stock Market and why it Can Happen Again*, Regnery Publishing.
- Gangopadhyay, P. (2011), "Economics of Rivalry, Conflict and Cooperation", *World Scientific*.
- Grieco, J. M. (2001), *The International Political Economy since World War II*, Columbia University Press.
- Hartley, K., & Sandler, T. (1995), "Handbook of Defence Economics", Vol. 1.
- Hughes, C. W. (2013), *Japan's Economic Power and Security: Japan and*

North Korea, Routledge.

- Imlay, T. C., & Toft, M. D. (Eds.) (2007), *The Fog of Peace and War Planning: Military and Strategic Planning under Uncertainty*, Routledge.

- Lambeth, B. S., & Lewis, K. N. (1982), "Economic Targeting in Modern Warfare", *RAND Corp.*, - Santa Monica, CA (USA), No. AD-A-122857/6.

- Liang, Q., & Xiangsui, W. (1999), *Unrestricted Warfare* (pp. 551-563), Beijing: PLA Literature and Arts Publishing House.

- Nafziger, E. W., & Auvinen, J. (2003), "Economic Development, Inequality, and War", *The Economics of Sustainable Development*, 31.

- Naylor, R. T. (1999), *Economic Warfare: Sanctions, Embargo Busting, and Their Human Cost*, UPNE.

- Read, C. (2009), *Global Financial Meltdown: How We Can Avoid the Next Economic Crisis*, Palgrave Macmillan.

- Schelling, T. C. (1980), *The Strategy of Conflict*, Harvard University Press.

- Unrestricted Warfare Symposium: Proceedings on Combating the Unrestricted Warfare Threat: -Terrorism, Resources, Economics, and Cyberspace, 24-25 March 2009, Johns Hopkins University, Applied Physics Laboratory, 2009.

- Zeuthen, F. (1930), *Problems of Monopoly and Economic Warfare*, G. Routledge & Sons, Ltd..

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی